

عربی، زبان قرآن (۲)



اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ
أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ

گرت عیب جویی بود در سرشت
نبینی ز طاووس جز پای زشت



حوزه فناوری اطلاعات مجتمع

سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



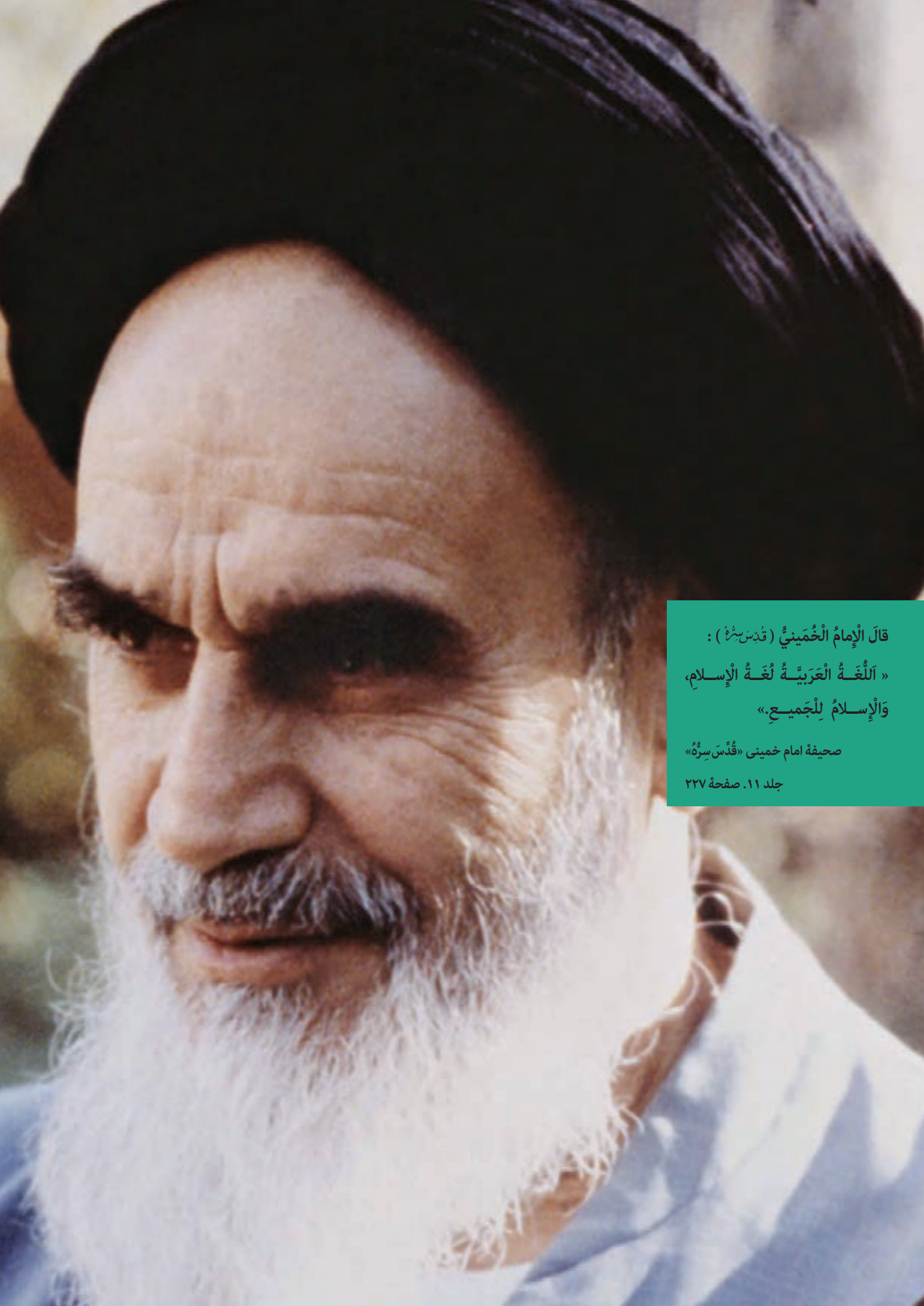


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- عادل اشکیوس، علی چراغی، اباذر عباچی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکیوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (طراح جلد و صفحه‌آرا) - آزاده امینیان (تصویرگر) - حسین چراغی، علیرضا ملکان، فاطمه پزشکی و مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هشتم ۱۴۰۳

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۶-۵

ISBN: 978.964.05.2766.5



قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ (قُدَّسَ سِرُّهُ) :
« أَلُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ،
وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ. »

صحيفة امام خميني «قُدَّسَ سِرُّهُ»

جلد ۱۱ . صفحه ۲۲۷

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

محتوای این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۶ - ۱۴۰۵ تغییر نخواهد کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْفِهْرِسُ

پیش گفتار الف

الدرس الأول ۱

من آيات الأَخلاقِ + إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ إِسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ فِي سِوْقِ مَشْهَدِ-----

الدرس الثاني ۱۹

فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ-----

الدرس الثالث ۳۳

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ التَّكْرَهُ + حِوَارٌ فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ-----

الدرس الرابع ۴۹

آدَابُ الْكَلَامِ + أَنْجُمَةٌ بَعْدَ النِّكَرَةِ-----

الدرس الخامس ۶۳

الْكَذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱) + حِوَارٌ فِي الصَّيْدَلِيَّةِ-----

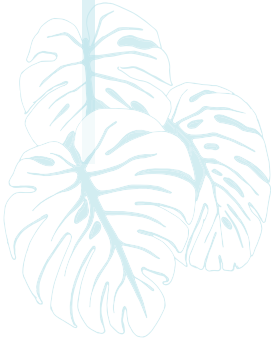
الدرس السادس ۷۵

آتَهُ مَارِي شِيمِلِ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)-----

الدرس السابع ۸۹

تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ + حِوَارٌ مَعَ

الطَّبِيبِ-----



پیش‌گفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.

۳. کتاب معلّم را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک دو رشته علوم تجربی و ریاضی و فیزیک به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات آسان قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوّبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پایه هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب، ۲۵۴ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن، از ۱۱۳۴ واژه کتاب‌های عربی پایه هفتم تا دهم بسیاری از آنها نیز در کتاب یازدهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پرسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۱۲ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.

هدف اصلی، فهم متون عربی به‌ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها

و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُو كُنَّ الصَّغِيرِ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزِ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عددهای اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های آن) و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، نون وقایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه.

تشخیص المحل الإعرابي یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ اما تشخیص اعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست.

در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست.

دانش‌آموز باید «نَمَّ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن، درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اسْتَخْرَجْتُمْ.

در کل کتاب آموزه‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان، کم‌کم این آموزه‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۳ متن درس اول، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات) است. قواعد درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلم است. قواعد درباره اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم جزء اهداف نیست.

۵ موضوع متن درس سوم، شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سنّ پر جوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس شود. قواعد درس درباره ترجمه درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنهاست؛ (معرفه به ال و عَلم).

۶ موضوع متن درس چهارم، آداب سخن گفتن است. آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامه پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

دانش‌آموز در بخش قواعد با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغگویی است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است.

۷ متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغگویی است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است. در قواعد این درس، معانی حروف «أَنْ» و «كَيْ» و «لِ» و «لَيْ» و «حَتَّى» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع، از اهداف نیست. لذا از آن سؤال طراحی نمی‌شود. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَبْأَسَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

۸ متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. قواعد درس، درباره معانی حروف «لَمْ» و «لَا» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل، از اهداف نیست.

۹ متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعه» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ مِنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. مُحَمَّدُ التَّوْنِجِي. مكتبة لبنان ناشرون.

ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین السیوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار. واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس.

المُهَدَّبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین السیوطی. مكتبة مشكاة الإسلامية.

قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ وَأَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود.

۱۰ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه در این باره لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد.

۱۱ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب

درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۱۲ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هو، هما، هم، هی، هما، هن، انت، انتما، انتم، انت، انتما، انتن، انا، نحن».

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده است و دانش‌آموزان درس را بهتر آموخته‌اند.

۱۳ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب»، یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۴ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی، معنای کلمه، بیرون از جمله است؛ اما جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی شیوه طرح آن، همراه با یک نمونه ارائه شده است.

۱۵ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۶ در کتاب به اندازه کافی جا برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود.

۱۷ کلمات جدیدی که معنای آنها در پاورقی آمده است در آزمون‌ها طرح می‌شوند.

۱۸ از همکاران ارجمند خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق رمزینه سریع پاسخ پیغام بگذارید.



نظرسنجی کتاب‌درسی

سخنی با دانش آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث، دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی پرمعنا و قوی است؛ و کتاب‌های بسیاری از دانشمندان به این زبان نوشته شده است.

این کتاب ادامه چهار کتاب پیشین است. هرچه در چهار سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی زبان آموزی نیست. در آزمون‌هایی نیز که مؤسسات مختلف برگزار می‌کنند بسیاری از سؤالات خارج از اهداف آموزشی است و جنبه معما دارد، یا اینکه حجمش آن قدر زیاد است که دانش آموز در پاسخ‌دهی وقت کم می‌آورد. لذا اگر در چنین آزمون‌هایی شرکت می‌کنید شایسته است بدانید از نظر اصول آموزش زبان، نه تنها مورد تأیید نیستند بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دلسردی می‌شوند.

برای یادگیری هر زبانی تکرار و تمرین لازم است. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، متون و واژگان درس‌ها را پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در سخنرانی، انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایه تحصیلی یازدهم تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید. ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

این کتاب نیازی به کتاب کار ندارد و تهیه کتاب کار موجب لطمه به روند آموزشی خواهد گردید. اگر مدرسه شما ساعت اضافه برای درس عربی اختصاص داده، بهتر است که این زمان صرف تقویت مهارت‌های شفاهی زبان شود.

که راز سخنی بود در سرشت
نمید ز طاووس جز نای زشت

(سعدی)



الذُّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الْحُجُرَات: ١٢و١١



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْأَخْرَيْنَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».



تَنصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعْيَبُوا الْأَخْرِينَ. وَ لَا تُلَقِّبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا.

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

■ **الِاسْتِهْزَاءَ بِالْأَخْرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ**

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

■ **سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ**

بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

■ **التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ**

النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ **كِبَائِرِ** الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا

وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

■ **وَ الْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ**

التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

سَمِيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي

جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.



اتَّقَى : پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي)

اتَّقُوا اللَّهَ : از خدا پروا کنید

إِثْمٌ : گناه = ذَنْبٌ

اسْتَهْزَأَ بِـ : ریشخند کردن

(اسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)

إِغْتَابَ : غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)

لا يَغْتَبُ : نباید غیبت کند

أَنْ يَكُنَّ : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

أَنْ يَكُونُوا : که باشند (كَانَ، يَكُونُ)

بَعْضٌ ... بَعْضٌ : یکدیگر

بِئْسَ : بد است

تَابَ : توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)

لَمْ يَتُبْ : توبه نکرد

تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد

(مضارع: يَتَجَسَّسُ)

تَسْمِيَةٌ : نام دادن، نامیدن

(سَمَى / يُسَمِّي)

تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب های

زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)

تَوَّابٌ : بسیار توبه پذیر، بسیار

توبه کننده

تَوَاصَلٌ : ارتباط (تَوَاصَلٌ، يَتَوَاصَلُ)

حَرَّمَ : حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ)

خَفِيَ : پنهان ≠ ظاهر

سَخَّرَ مِنْ : مسخره کرد

(مضارع: يَسَخِّرُ / مصدر: سُخْرِيَّةٌ)

لا يَسَخِّرُ : نباید مسخره کند

عَابَ : عیب جویی کرد، عیب دار کرد

(مضارع: يَعِيبُ)

عُجِبَ : خودپسندی

عَسَى : شاید = رُبَّمَا

فُسُوقٌ : آلوده شدن به گناه

فَضَحَ : رسوا کردن

قَدَّ : گاهی، شاید (بر سر مضارع)

«قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد» / بر

سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن

زمان فعل به حال و معادل ماضی

نقلی است.

كَبَائِرٌ : گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»

كِرِهٌ : ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)

لَحْمٌ : گوشت «جمع: لُحُومٌ»

لَقَّبَ : لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ)

لَمَزَ : عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)

مَيِّتٌ : مُرَدَةٌ = مَيِّتٌ

«جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعَرُوسِ الْقُرْآنِ.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْاسْتِهْزَاءَ وَالْغِيْبَةَ فَقَطُّ.

۳- الْغِيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَخَاكَ وَ أُخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.

۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

اعلموا

اسم التفضيل و اسم المكان

■ اسم تفضيل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أفعل» است.

اسم تفضيل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گیر: بزرگ أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین حَسَن: خوب أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروبَّا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

آسیا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.



جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعْيَبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین

أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین

أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین

أَقَلُّ: کمتر، کمترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید؛ مثال:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَلُ» می‌آید؛

مثال: فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب.



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِلُ» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِلُ جَمْعُ أَرْدَلٍ وَ أَفَاضِلُ جَمْعُ أَفْضَلٍ اسْت).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر»

دارد؛ مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

١ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

٢ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ^٢ السَّكِينَةُ^٣ مَعَ إِيمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

■ دو کلمه «خَيْر» و «شَر» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِن» است، یا به صورت «مضاف» می‌آید؛ مثال:

١ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الْإِمَامُ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا گوینده‌اش می‌باشد.

٢ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

٣ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهترین کارها میانه‌ترین آنهاست.

٤ حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

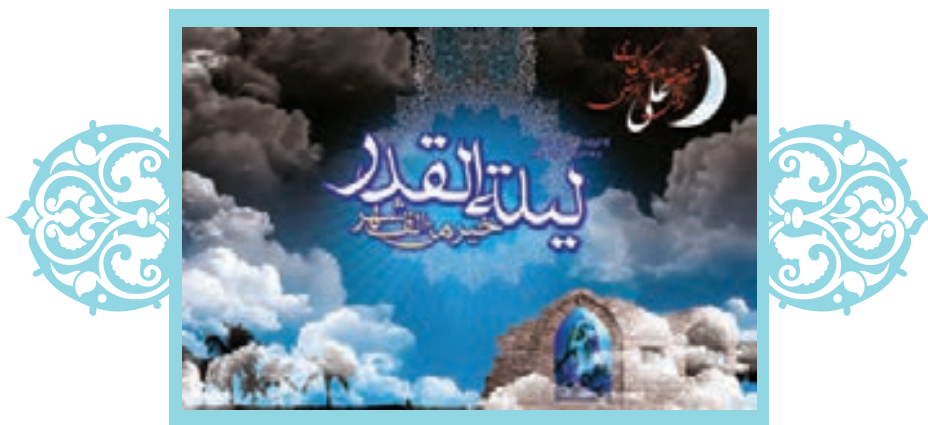
به سوی بهترین کار بشتاب.

١- سُئِلَ: از ... پرسیده شد ٢- الرَّجُلُ: انسان، مرد ٣- السَّكِينَةُ: آرامش ٤- حَيٌّ: بشتاب

١ ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ١٠٩

٢ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى^١ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدْر: ٣



٤ مَنْ غَلَبَتْ^٢ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

■ اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال:

مَلْعَب: ورزشگاه مَطْعَم: رستوران مَصْنَع: کارخانه مَطْبَخ: آشپزخانه

مَوْقِف: ایستگاه مَنَزَل: خانه مَكْتَبَة: کتابخانه مَطْبَعَة: چاپخانه

■ جمع اسم مکان بر وزن «**مَفَاعِل**» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِينَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱ ﴿... وَ جَادِلْهُمْ^۱ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ^۲ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾

النَّحْل: ۱۲۵

۲ ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ الأَعْلَى: ۱۷

۳ كَانَتْ مَكْتَبَتُهُ «جُنْدِي سَابور» فِي خوزستان أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.



۲- ضَلَّ: گمراه شد

۱- جَادِلْ: بحث کن

حوار
(في سوقِ مَشْهَد)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ

الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ

عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.

سِتُّونَ أَلْفَ تَومَانٍ.

كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟

عِنْدَنَا بِسِعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. تَقْضِي أَنْظِرِي.

أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ
بَنَفْسَاجِيٌّ.

أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟

تَبَدَّلُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى
خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تَومَانٍ.

بِكَمْ تَومَانٍ هَذِهِ الْفَسَاتِينُ؟

سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.^٢

الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!

السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تَومَانٍ، وَ السَّرَوَالُ
النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تَومَانٍ.

بِكَمْ تَومَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟

ذَلِكَ مَتَجَرٌّ^٣ زَمِيلِي^٤، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ.

أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.

في مَتَجَرِ زَمِيلِهِ ...

صارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تومَان.
أَعْطِينِي بَعْدَ التَّخْفِيزِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.

رَجَاءً، أَعْطِينِي سِرْوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ...
كَمْ صارَ الْمَبْلَغُ؟



١- تَخْفِيز: تخفيف

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- جَعَلَهُ حَرَامًا:

.....

٢- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا:

.....

٣- الذُّنُوبُ الكَبِيرَةُ:

.....

٤- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ:

.....

٥- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ:

.....

٦- ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

.....

التَّمرينُ الثَّانِي: تَرْجِمُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

.....

٢- مَنْ سَاءَ^١ خُلُقُهُ عَذَّبَ^٢ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)

.....

٣- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ^٣ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَ فِعْلُ الْأَمْرِ)

.....

٤- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ^٤ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْجَارُّ وَ الْمَجْرُورُ)

.....

١- ساء: بد شد ٢- عَذَّبَ: عذاب داد ٣- حَسَّنْتَ: نيكو گردانیدی ٤- ميزان: ترازو (ترازوی اعمال)

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَالْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنُ:	إِحْسَان: نیکی کردن
إِقْتَرَبَ: نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ:	لَا تَقْتَرِبُوا:	إِقْتِرَاب: نزدیک شدن
انْكَسَرَ:	سَيَنْكَسِرُ:	لَا تَنْكَسِرُ: شکسته نشو	انْكَسَار: شکسته شدن
اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	اسْتِغْفَار:
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ:	لَا تُسَافِرُ:	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ:	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ:	تَتَبَادَلُونَ:	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: آموزش دادن

التَّمرينُ الرَّابِعُ: اكتبِ العَمَلِيَّاتِ الحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ:

١- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. $10 + 4 = 14$

٢- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

٣- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.

التَّمرينُ الخَامِسُ: عَيِّنِ المَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ المُلَوَّنَةِ.

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفَتْح: ٢٦

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البَقَرَة: ٢٨٦

٣- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٤- أَحَبُّ عِبَادِ اللهِ إِلَى اللهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٥- عَدَاوَةُ العَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ع



التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَالْجَمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالَغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

١- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ٢٨

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ الْمَائِدَةُ: ١٠٩

٣- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ يَس: ٥٢

٤- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

٥- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

٦- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ:

٧- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ:

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- صَبَاح مَسَاء لَيْل مَيِّت
- ٢- عُجْب لَحْم فُسُوق إِثْم
- ٣- كِبَائِر نِسَاء رِجَال أَوْلَاد
- ٤- سَخِرَ عَابَ سَاعَدَ لَمَزَ
- ٥- أَحْمَر أَحْسَنَ أَجْمَلَ أَصْلَحَ
- ٦- أَصْفَرَ أَزْرَقَ أَبْيَضَ أَكْثَرَ

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- اشْتَرَيْنَا وَ فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتْجَرِ.
- سَرَاوِيل أَشْهُرًا مَوَاقِفَ
- ٢- مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذَرَ إِلَيْهِمْ.
- إِغْتَابَ اتَّقَى مَدَحَ
- ٣- خَمْسَةٌ وَ سِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي
- اِثْنَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ اِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ
- ٤- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السُّعْرَ.
- نَوْعِيَّةً مَتَجَرَ تَخْفِيزَ

■ اِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ تَفْضِيْلٍ مِنْ دُعَاءِ الْاِفْتِتَاحِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَفْتِخُ الشَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ اَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، وَ اَيَقْنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ اَشَدُّ الْمُعَاقِبِيْنَ فِي مَوْضِعِ التَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ، وَ اَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِيْنَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظْمَةِ.

خدایا، من با سپاسگزاری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کيفر و انتقام، سخت‌ترین کيفر دهندگانی و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندان.

اَللّٰهُمَّ اَذْنَتْ لِيْ فِيْ دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِيْ، وَ اَجِبْ يَا رَحِيْمٌ دَعْوَتِيْ، وَ اَقِلْ يَا غَفُوْرٌ عَثْرَتِيْ، فَكَمْ يَا اِلٰهِيْ مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَ هُمُوْمٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا!

خدایا، در فراخواندنت و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوه‌هایی که از آن گره گشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن در گذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ اَمِيْنِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ حَبِيْبِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ، وَ مُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ اَفْضَلَ وَ اَحْسَنَ وَ اَجْمَلَ وَ اَكْمَلَ وَ اَزْكٰى وَ اَنْمٰى وَ اَطْيَبَ وَ اَطْهَرَ وَ اَسْنٰى وَ اَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ اَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ اَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد: بندهات، فرستادهات، امانتدارت، برگزیدهات، یارت، بهترین آفریدهات، نگاهدارِ رازت، رسانندهٔ پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهر ورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.





الدرس الثاني



﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

الْعَلَق: ٣ و ٤

بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است، همو که با قلم یاد داد.

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَّابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرِّسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلَّابَ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبْوَرَةِ؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعْنَتًا؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ.



فَكَرَّ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمَشْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانٍ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»؛ فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ، وَ قَالَ لَهُ: إِنَّ تَطَالُعَ كِتَابِ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لَزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنْشَائِكَ؛ ثُمَّ كَتَبَ مِهْرَانُ إِنْشَاءَهُ وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ: إِنَّ تَقْرَأَ إِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطُّلَابِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ:

... أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطُّالِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ؛ أَهْمُهَا:

- ١ أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ.
- ٢ الْاجْتِنَابُ عَنِ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ.
- ٣ أَنْ لَا يَهْرَبَ مِنْ آدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ.
- ٤ عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.
- ٥ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.
- ٦ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ، وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلامِ، وَ يَصْبِرَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْكَلَامِ.
- ٧ الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضُرُورَةٍ.

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاقِبُ إِِنْشَاءَ مَهْرَانَ، خَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

قال الشاعر المصري أحمد شوقي عن المعلم:

كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّبَجِيلَا

يَبْنِي وَ يُنْشِئُ أَنْفُسًا وَ عُقُولًا

أَعَلِمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَ مِنَ الَّذِي

عِلْمُ الْأَحْيَاءِ : زیست شناسی

فَكَرَّ : اندیشید (مضارع: يُفَكِّرُ)

قُمْ : برخیز ← (قَامَ، يَقُومُ)

كَادَ : نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)

مَجَالُ : زمینه

مُشَاقِبُ : شلوغ کننده و اخلاصگر

وَاقَقَ : موافقت کرد (مضارع: يُوَاقِقُ)

وَقَّى : کامل کرد (مضارع: يُوقِي)

«وَفِيهِ التَّبَجِيلُ»: احترامش را کامل به جا

بیاور.»

هَمَسَ : آهسته سخن گفت

(مضارع: يَهْمِسُ)

تَعَنَّتْ فِي السُّؤَالِ : پرسیدن به

منظور به سختی و لغزش انداختن

تَنَبَّهَ : آگاه شد

(مضارع: يَتَنَبَّهُ) = اِنْتَبَهَ

حِصَّةُ : زنگ درسی، قسمت

خَجَلَ : شرمنده شد (مضارع: يَخْجَلُ)

سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)

سَبَّوْرَةٌ : تخته سیاه

سُلُوكُ : رفتار

صَرَّ : زیان رساند (مضارع: يَصُرُّ)

عَصَى : سرپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي)

أَجَلَ : گران قدرتر

ارْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع: يَرْتَبِطُ)

اسْتَمَعَ : گوش فراداد (مضارع: يَسْتَمِعُ)

الْتَزَمَ : پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ)

الْتِفَاتُ : روی برگرداندن

الْتَفَتَ : روی برگرداند

(مضارع: يَلْتَفِتُ)

أَلْفَ : نگاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ)

أَنْشَأَ : ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)

تَارَةً : یک بار = مَرَّةً

تَبَجِيلُ : بزرگداشت

اُكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

٢- كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟

٣- كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟

٤- مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟

٥- فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطُّلَّابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟



اعلموا

أُسلوبُ الشرطِ و أدواته

■ مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، ما و إن». معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد. این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَايَا غَالِباً.^۱

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

إِنْ تَحْتَرِمُوا الْآخِرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ.

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

■ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۲ اَلطَّلَاق: ۳

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

■ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.



۱- معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «ما» و «إن» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با این تغییرات در پایه نهم در فعل نهی آشنا شده بودید. این کلمات، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفَعَّلَ، أَفْعَلُ و نَفَعَلُ» را تغییر می‌دهند. «... يَفْعَلُ، ... تَفَعَّلَ، ... أَفْعَلُ و ... نَفَعَلُ» و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، تَفَعَّلُونَ، تَفَعَّلْنَ، أَفْعَلُونَ و تَفَعَّلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفَعَّلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۳- حَسْبُ: بس، کافی

۲- يَتَوَكَّلُ: توکل کند

■ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

■ «مَنْ: هرکس» مثال:



مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

■ «مَا: هرچه» مثال:



مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.

■ «إِنْ: اگر» مثال:



إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.

إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگی‌ات موفقیت به دست می‌آوری.



■ «إِذَا: هرگاه، اگر»؛ نیز معنای شرط دارد؛ مثال:



إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ مَا يَلِي،^١ ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرِّ وَفِعْلَ الشَّرِّ، وَجَوَابَهُ.

﴿وَمَا تَقْدِمُوا^٢ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَةُ: ١١٠

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ^٣ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّدٌ: ٧

﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^٤﴾ الْفُرْقَانُ: ٦٣



﴿إِنْ تَزْرَعُوا الْعُدُونَ، تَحْصُدُوا الْخُسْرَانَ.﴾

١- ما يلي: آنچه می آید ٢- ما تقدّموا: هرچه را از پیش بفرستید ٣- يثبت: استوار می سازد
٤- خاطب: خطاب کرد ٥- سلام: سخن آرام



التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

- ١- التَّعَنُّتُ طَرْحُ سُؤَالٍ صَعِبٍ يَهْدَفُ إِجَادِ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ.
- ٢- عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَوَاصُّ الْعِنَاصِرِ.
- ٣- الْأَلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ.
- ٤- السَّبَّورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطُّلَّابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: تَرَجِّمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٧٣ (الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ)
- ٢- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ^١ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (اسْمَ الْفَاعِلِ)
- ٣- النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا^٢. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْجَمْعَ الْمَكْسَرَ وَ مُفْرَدَهُ)
- ٤- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْفَاعِلِ)
- ٥- الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا^٣. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ)
- ٦- قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مَعْلَمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا^٤. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ الْفَاعِلِ)

١- الْأَجْرُ: پاداش، مزد ٢- جَهْلًا: ندانست ٣- الْأَمِيَّتُ: مُرَدَه ٤- وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا: اگرچه فرمانده باشی

التَّامِرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

المصدر	الأمر والنهي	المضارع والمستقبل	الماضي
إِنْقَاذُ: نجات دادن	أَنْقِذْ:	يُنْقِذُ: نجات می دهد	قَدْ أَنْقَذَ:
إِبْتِعَادُ: دور شدن	لَا تَبْتَعِدْ:	لَا يَبْتَعِدُ: دور نمی شود	إِبْتَعَدَ:
إِنْسِحَابُ: عقب نشینی کردن	لَا تَنْسَحِبْ:	سَيَنْسَحِبُ:	إِنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد
إِسْتِخْدَامُ:	اسْتَخِدِمْ: به کار بگیر	يَسْتَخِدِمُ:	اسْتَخْدَمَ: به کار گرفت
مُجَالَسَةُ:	جالِسْ:	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جالَسَ: همنشینی کرد
تَذَكُّرٌ: به یاد آوردن	لَا تَتَذَكَّرْ:	يَتَذَكَّرُ:	تَذَكَّرَ: به یاد آورد
تَعَايُشُ: همزیستی کردن	تَعَايُشُ: همزیستی کن	يَتَعَايُشُ:	تَعَايَشَ:
تَحْرِيمٌ:	لَا تُحْرِمْ:	يُحْرِمُ: حرام می کند	قَدْ حَرَّمَ: حرام کرده است

التَّمرينُ الرَّابِعُ: ضَعْ هُذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكيبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٌ / هُذَانِ الْمُكَيِّفَانِ / تِلْكَ الْحِصَّةُ / أُولَئِكَ مُسْتَمِعُونَ / هُؤْلَاءِ جُنُودٌ / هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التَّمرينُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (= ≠)

وُدٌّ / بَعْدٌ / تَكَلَّمَ / اجْلَسَ / نِهَآيَةٌ / عَدَاوَةٌ / اِحْتِرَامٌ / اَحْيَاءٌ / مَرَّةٌ / نَفَعٌ / ذَنْبٌ / هَرَبٌ

إِثْمٌ =	تَبَجِيلٌ =	تَارَةً =	حُبٌّ =
فَرٌّ =	أَمْوَاتٌ ≠	دَنَا ≠	قُمْ ≠
ضَرٌّ ≠	بِدَايَةٌ ≠	سَكَتٌ ≠	صَدَاقَةٌ ≠

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: اكْمِلْ تَرْجَمَةَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱- ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۹۷

و آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می‌داند. (از آن آگاه است).

۲- ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ الْإِسْرَاءُ: ۷

اگر نیکی کنید، به خودتان

۳- ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ الْأَنْفَالُ: ۲۹

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

۴- إِذَا غَضِبْتَ، فَاسْكُتْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه ،

۵- مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

۱- الْمُشَاغِبُ : هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ.

۲- الْحِصَّةُ : هُوَ الَّذِي يُسَبَّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظْمَ.

۳- الْفُسُوقُ : مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوظَّفٍ.

۴- الْأَجْرُ : تَرَكُ أَمْرٍ لِلَّهِ، وَ ارْتِكَابُ الْمَعَاصِي.

۵- الْإِلْتِفَاتُ : أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ.

۶- السُّلُوكُ :

۱- فُرْقَان: جداکننده حق از باطل

التَّمرينُ الثَّامنُ: اكتب مُفردَ الكَلِماتِ التَّالِيَةِ.

مَعاصِي	أَخلاق	أَنفُس	أَحْياء	أَموات
.....
جُنود	بِطاقَتانِ	ناجِحات	أَعْداء	طُلاب
.....
خَواصِّ	أَفْدام	فَسائِن	أَسعار	ذُنوب
.....
عُيوب	عُيوب	أَسْماء	سَراويل	مَلابِ
.....
إِخوان	عِباد	بَهائِم	أَفْاضِل	كَبائِر
.....
تَراكيب	جُمَل	أَعْمال	مُسْتَمِعونَ	مُكَيِّفانِ
.....

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ فِي كِتَابِ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ آدَابِ التَّعْلِيمِ وَ التَّعَلُّمِ ثُمَّ اَكْتُبْهُ.



أَلْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ. الْإِمَامُ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ





الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.
زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعِنَبُ الْبِرَازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ
بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبِرَازِيلِ،
وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جَدْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ
مُوصَفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَارًا
طَوَّلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السُّكُويَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ
الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورْنِيَا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا
أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ
أَمْتَارٍ، وَ يَزِيدُ عُمْرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ
خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيبًا.



الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ شَجَرَةٌ تَنُمُو فِي بَعْضِ
الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالِالْتِفَافِ
حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَغُصُونِهَا، ثُمَّ تَخْنُقُهَا
تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ
الَّتِي تَقَعُ فِي مَحَافِظَةِ هَرْمُزْجَانِ.



مَدِينَةُ بُرْدُخُونِ فِي مَحَافِظَةِ بوشهر.



شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنُمُو فِي
جُزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي
نَهَائَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ
هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَعْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ؛ لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَتَحْتَوِي بُذُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزَّيْتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّتَةٍ. وَ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا. وَ يوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكشهر بِمُحَافَظَةِ سِيستان وَ بَلُوشِستان بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَاد.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. توجَدُ غَابَاتُ جَمِيلَةٍ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتِي إِيلام وَ لُرستان. يَدْفِنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

﴿...﴾ اِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ. ﴿...﴾

كشاوری کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلالتر و خوبتر از آن انجام نداده‌اند.

أَحَلَّ : حلال تر، حلال ترین

إِشْتَعَالَ : برافروخته شدن، سوختن
(اشْتَعَلَ، يَشْتَعَلُ)

أَطْيَبَ : خوب تر، خوب ترین = أَحْسَنَ،
أَفْضَلَ

أَغْصَانَ، غُصُونَ : شاخه ها
«مفرد: غُصْنٌ»

إِلْتِفَافٌ : در هم پیچیدن
(الْتَفَّ، يَلْتَفُّ)

بُدُورٌ : دانه ها «مفرد: بَدْرٌ»

جِدَعٌ : تنه «جمع: جُدوع»

جُزُرٌ : جزیره ها «مفرد: جَزِيرَةٌ»

جَوْزَةٌ : دانه گردو، بلوط و مانند آن

خَنَقٌ : خفه کرد (مضارع: يَخْنُقُ)

خَانِقٌ : خفه کننده

سَبَبٌ : سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ)

سِيَاجٌ : پرچین

غَازٌ : گاز

فَالِقٌ : شکافنده

لُبٌّ : مغز میوه

مَحَاصِلٌ : محصولات

أَلْمُحِيطُ الْهَادِيُّ : اقیانوس آرام

مُزَارِعٌ : کشاورز = زَارِعٌ، فَلَاحٌ

مُعَمَّرٌ : کهن سال

مُلَوَّثٌ : آلوده کننده

مُؤَاصَفَاتٌ : ویژگی ها

نَبَتٌ : روید (مضارع: يَنْبُتُ)

نَصِيفٌ : توصیف می کنیم

نَوَى : هسته

ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- تَبَدَّأَ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاتَهَا بِ..... حَوْلَ جِدَعِ شَجَرَةٍ وَ غُصُونِهَا.

۲- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَ زَيْوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ..... مُلَوَّثَةٍ.

۳- تَوَجَّدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي..... إِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ.

۴- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُويَا أَكْثَرَ مِنْ..... مِثْرٍ.

۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَائِهِ..... كَالْخُبْزِ.

۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى..... شَجَرَتِهِ.

اعلموا

الْمَعْرِفَةُ وَالنَّكِرَةُ

■ اسم **معرفه** اسمی است که نزد گوینده و شنونده، یا خواننده **شناخته** شده است؛ اما

اسم **نکره**، **ناشناخته** است. مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، داشتن «ال» است؛ مثال:

جاءَ مُدَرِّسٌ: معلّمی آمد. جاءَ المُدَرِّسُ: معلّم آمد.
وَجَدْتُ قَلَمًا: قلمی را یافتم. وَجَدْتُ القَلَمَ: قلم را یافتم.

■ معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود،

می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد؛ مثال:

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا.

اسب‌هایی را دیدم. **آن اسب‌ها** کنار صاحبشان بودند.



کلمه **أفراساً** «نکره» است. اسم نکره نزد گوینده، شنونده، یا خواننده **ناشناخته** است؛ اسم

نکره معمولاً تنوین (ـَ، ـِ، ـُ) دارد؛ مثال: رَجُلًا، رَجُلٍ و رَجُلٌ

در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / یک مرد آمد. / یک مردی آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می‌شود: جاءَ رَجُلٌ.

- اسم خاص (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی «اسم عَلَم» نامیده می‌شود و معرفه به شمار می‌رود؛ مانند: هاشم، مریم، بغداد، بیروت و ...
- اسم عَلَم، مانند: عَبَّاسٌ، كَاطِمٌ و حُسَيْنٌ تنوین دارد، ولی نکره نیست؛ بلکه معرفه است.
- سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوین دارد؛ مثال:

الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش گنج است. فَرِيقُنَا فَائِزٌ. تیم ما برنده است.

در دو مثال بالا كَنْزٌ و فَائِزٌ تنوین دارند؛ اما نیازی به نکره معنا کردن نیست.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمْ مَا يَلِي ١ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

- ١ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ ٢ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ ٣﴾ النَّور: ٣٥



- ٢ ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ...﴾ الْمَرْمَل: ١٥ و ١٦

- ٣ عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز

(فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ)

إبراهيم	إسماعيل
لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟ ^١	تَعَالَ نَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ.
بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ؟	لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.
الْفَرِيقَانِ تَعَادَلًا ^٢ قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.	بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ.
أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟	أَتَذَكَّرُ ^٣ ذَلِكَ.
عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذْهَبُ.	كَلَّا هُمَا قَوِيَّانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ ^٥ مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ ^٦ .

فِي الْمَلْعَبِ

هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمَى ^٩ فَرِيقِ السَّعَادَةِ. هَدَفٌ، هَدَفٌ!	أَنْظُرْ؛ جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ. سَيَسْجَلُ ^٧ هَدَفًا ^٨ .
رُبَّمَا بِسَبَبِ تَسَلُّلِ ^{١١} .	لَكِنَّ الْحَكَمَ ^{١٠} مَا قَبْلَ الْهَدَفِ؛ لِمَاذَا؟!
يُعْجِبُنِي ^{١٢} جِدًّا حَارِسُ مَرْمَى ^{١٣} فَرِيقِ السَّعَادَةِ!	أَنْظُرْ، هَجَمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ.
مَنْ يُسْجَلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ.	مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ؟
لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ.	الْحَكَمُ يَصْفِرُ.



- ١- الْمُبَارَاةُ: مسابقته ٢- تَعَادَلٌ: برابر شد ٣- أَتَذَكَّرُ: به یاد می‌آورم ٤- كَلَّا: هر دو ٥- أَنْ يَمْتَلِئَ: که پر شود
 ٦- الْمُتَفَرِّجُ: تماشاچی ٧- سَيَسْجَلُ: ثبت خواهد کرد ٨- الْهَدَفُ: گل ٩- الْمَرْمَى: دروازه ١٠- الْحَكَمُ: داور
 ١١- التَّسَلُّلُ: آفساید ١٢- يُعْجِبُنِي: مرا در شگفت می‌آورد، خوشم می‌آید (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ) ١٣- حَارِسُ الْمَرْمَى: دروازه‌بان

التمرين الأول: أيُّ كلمةٍ من كلماتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُناسِبُ التَّوضِيحاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا.
- ٢- التَّجْمَعُ وَالدَّوْرانُ حَوْلَ شَيْءٍ.
- ٣- الَّذِي يُعْطِيهِ اللهُ عُمْراً طَوِيلاً.
- ٤- الَّذِي يَعْمَلُ فِي المَزْرَعَةِ.
- ٥- صِفاتٌ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحاديثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ المَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- ما مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً أَوْ يَغْرِسُ غَرْساً^٢ فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنسانٌ أَوْ بِهِمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.
- (الْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ، وَاسْمُ الْفَاعِلِ)



- ٢- ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ ما يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ.
- (الْفِعْلُ الْمَاضِي، وَالْمَفْعُولُ)

- ٣- سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْفَاعِلُ)

١- ما مِنْ: هيچ ... نیست ٢- غَرْسٌ: نهال

التَّمرينُ الثَّالثُ: أَجِبْ عَنِ الأَسئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبِ الصُّورِ.



فِي أَيِّ بِلادٍ تَقَعُ هَذِهِ الأَهْرَامُ؟



بِمَ يَذْهَبُ الطُّلابُ إِلَى المَدْرَسَةِ؟



لِمَنْ هَذَا التَّمثالُ؟



كَيْفَ الجَوُّ فِي أَرْدبيل فِي الشِّتَاءِ؟



مَازَا تُشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟



هَلْ تُشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟

ألف: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ.

١- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.

- صدای عجیبی را شنیدم. صدای عجیب را شنیدم.

٢- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ.

- به روستای رسیدم. به روستا رسیدم.

٣- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي

- نگاهى به گذشته نگاه به گذشته

٤- أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

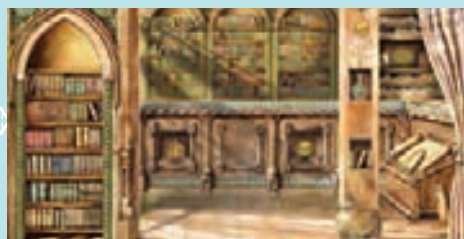
- بندگانی درستکار بندگانِ درستکار

٥- أَلسَّوَارُ الْعَتِيقُ

- دستبندِ کهنه دستبندی کهنه

٦- أَلتَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ

- تاریخی زرین تاریخ زرین



ب: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَالنَّكِرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَالنَّكِرَةَ فِي مَا أُشِيرَ
إِلَيْهِ بِخَطِّ.



سَجَلَتْ مُنْظَمَةً الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.^٢



عِمَارَةٌ خُسْرُوآبَادٍ فِي سَنَدَجٍ تَجْدِبُ سِيَّاحًا^٣ مِنْ مُدُنِ إِيرَانَ. حَدِيقَةُ شَاهَزَادَه قُرْبَ كِرْمَانَ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.



مَعْبَدُ كُرْدْ كَلَا^٤ فِي مَحَافِظَةِ مَازَنْدَرَانَ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ.

١- أُشِيرَ: اشاره شد

٢- قَائِمَةُ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: ليست ميراث جهانی

٣- سِيَّاح: گردشگران، مفرد آن: سائح

٤- تَكِيَّة كُرْد كَلَا از آثار ملی ایران در شمال شهرستان جویبار

التمرين الخامس: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

إِسْمُ الْفَاعِلِ	الْمَصْدَرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
<input type="checkbox"/> مُوَافِقٌ	<input type="checkbox"/> تَوْفِيقٌ	<input type="checkbox"/> وَافِقٌ	<input type="checkbox"/> يُوَافِقُ	وَافَقَ
<input type="checkbox"/> مُوَفِّقٌ	<input type="checkbox"/> مُوَافَقَةٌ	<input type="checkbox"/> وَفَّقٌ	<input type="checkbox"/> يُوَفِّقُ	
<input type="checkbox"/> مُقَرَّبٌ	<input type="checkbox"/> تَقَرُّبٌ	<input type="checkbox"/> قَرَّبٌ	<input type="checkbox"/> يُقَرِّبُ	تَقَرَّبَ
<input type="checkbox"/> مُتَقَرَّبٌ	<input type="checkbox"/> تَقْرِيْبٌ	<input type="checkbox"/> تَقَرَّبٌ	<input type="checkbox"/> يَتَقَرَّبُ	
<input type="checkbox"/> مُتَعَارِفٌ	<input type="checkbox"/> مُعَارَفَةٌ	<input type="checkbox"/> تَعَارَفٌ	<input type="checkbox"/> يَتَعَرَّفُ	تَعَارَفَ
<input type="checkbox"/> مُعَرِّفٌ	<input type="checkbox"/> تَعَارُفٌ	<input type="checkbox"/> إِعْرِفٌ	<input type="checkbox"/> يَتَعَارَفُ	
<input type="checkbox"/> مُشْتَغِلٌ	<input type="checkbox"/> إِشْغَالٌ	<input type="checkbox"/> إِشْتَغَلُ	<input type="checkbox"/> يَنْشَغِلُ	إِشْتَغَلَ
<input type="checkbox"/> مُنْشَغِلٌ	<input type="checkbox"/> إِشْتِغَالٌ	<input type="checkbox"/> اِنْشَغَلُ	<input type="checkbox"/> يَشْتَغِلُ	
<input type="checkbox"/> مُتَفَتِّحٌ	<input type="checkbox"/> إِسْتِفْتَاْحٌ	<input type="checkbox"/> اِنْفَتِحُ	<input type="checkbox"/> يَفْتَتِحُ	اِنْفَتَحَ
<input type="checkbox"/> مُنْفَتِحٌ	<input type="checkbox"/> اِنْفِتَاْحٌ	<input type="checkbox"/> تَفْتَحُ	<input type="checkbox"/> يَنْفَتِحُ	
<input type="checkbox"/> مُسْتَرْجِعٌ	<input type="checkbox"/> اِرْتِجَاعٌ	<input type="checkbox"/> اِسْتَرْجِعُ	<input type="checkbox"/> يَسْتَرْجِعُ	اِسْتَرْجَعَ
<input type="checkbox"/> مُرْجِعٌ	<input type="checkbox"/> اِسْتِرْجَاعٌ	<input type="checkbox"/> رَاْجِعٌ	<input type="checkbox"/> يَرْتَجِعُ	
<input type="checkbox"/> مُنَزَّلٌ	<input type="checkbox"/> نَزْوْلٌ	<input type="checkbox"/> اِنْزِلُ	<input type="checkbox"/> يُنْزِلُ	نَزَلَ
<input type="checkbox"/> نَاْزِلٌ	<input type="checkbox"/> تَنْزِيْلٌ	<input type="checkbox"/> نَزَّلُ	<input type="checkbox"/> يُنْزِلُ	
<input type="checkbox"/> اَكْرَمٌ	<input type="checkbox"/> اِكْرَامٌ	<input type="checkbox"/> اَكْرِمُ	<input type="checkbox"/> يُكْرِمُ	اَكْرَمَ
<input type="checkbox"/> مُكْرِمٌ	<input type="checkbox"/> تَكْرِيْمٌ	<input type="checkbox"/> كَرِّمٌ	<input type="checkbox"/> يُكْرِمُ	

التَّمرينُ السَّادِسُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- يُشَجِّعُ الـ فَرِيقَهُمْ فِي الْمَلْعَبِ. مُتَفَرِّجُونَ مُتَاجِرُونَ مُتَوَسِّطُونَ مُتَوَسِّطُونَ
- ٢- شَرْطِيُّ الْمُرُورِ حَتَّى تَتَوَقَّفَ السَّيَّارَاتُ. يَصْفِرُ يَتَعَادَلُ يَمْتَلِي
- ٣- وَضَعْتُ الْمِصْبَاحَ فِي الْبَيْتِ. تَخْفِيزٍ مِفْتَاحٍ مِشْكَاةٍ
- ٤- جَدِّي لَا بَعْضَ ذِكْرِيَاتِهِ. يَغْرِسُ يَتَذَكَّرُ يَنْبُتُ
- ٥- شَارَكَ زُمْلَانَا فِي عِلْمِيَّةٍ. مُبَارَاةٍ الْتِفَافٍ بُذُورٍ
- ٦- سَجَّلَ لِاعْبُنَا رَائِعاً. جُدْعاً هَدَفاً نَوْعِيَّةً

التَّمرينُ السَّابِعُ: اُكْتُبْ جَمَعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

سَائِحٌ =	أَثْرٌ =	تَارِيخٌ =	قَرْيَةٌ =
عَبْدٌ =	دَوْلَةٌ =	بَهِيمَةٌ =	مَلْعَبٌ =
رَسُولٌ =	سِرْوَالٌ =	عُصْنٌ =	شَجَرٌ =
زَيْتٌ =	حَيٌّ =	قَبْرٌ =	

الف: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ الْمَعْنَى)

- ١- بُذُورُ النَّبَاتَاتِ جَوَزَاتُ الْبَلُوطِ جِدَارُ الْعِمَارَةِ جُذُوعُ الْأَشْجَارِ
- ٢- حَارِسُ الْمَرْمَى كُرَّةُ الْقَدَمِ حَكْمُ الْمُبَارَاةِ زُجَاجَةُ الْمِصْبَاحِ
- ٣- مَدِينَةٌ بَهِيمَةٌ قَرْيَةٌ مُحَافَظَةٌ
- ٤- شُرْطِيٌّ خَبَازٌ حَدَّادٌ ذِكْرِيٌّ
- ٥- سِيَاجٌ آلَافٌ مِئَاتٌ عَشْرَاتٌ

ب: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ)

- ٦- تِمثالٌ إِيلامٌ سَنَدَجٌ كِرْمَانِشاهٌ
- ٧- أَلْسِيَاحٌ شَارِعٌ أَلْسَاةٌ أَلْمُنْظَمَةُ
- ٨- أَلْفَرِيقُ أَلْهَدَفُ أَلْبِسَةُ أَلْمُتَفَرِّجُ
- ٩- سَعِيدٌ سِنْجَابٌ مَحْمُودٌ صَادِقٌ
- ١٠- فَاطِمَةٌ زَهْرَاءُ مَعْصُومَةٌ إِمْرَأَةٌ

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ حَوْْلِ أَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْأَشْجَارِ.





الدَّرْسُ الرَّابِعُ وَهَكَذَا



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقولوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴾ الأحزاب: ٧٠

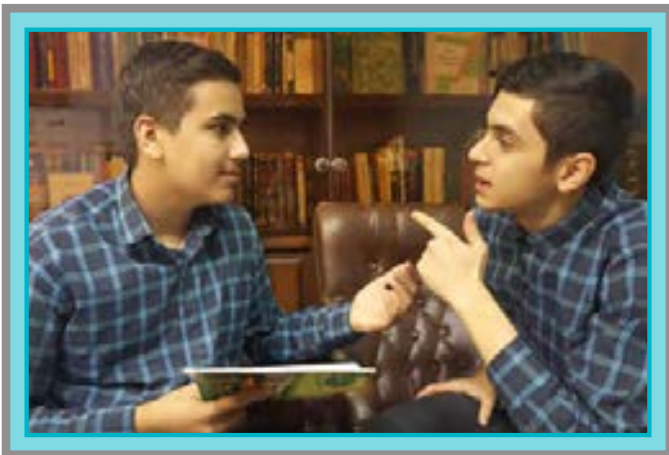
لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُو الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ ﴿ اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ﴾ النحل: ١٢٥

وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، ﴿ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾ (الصف: ٢) وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيِّنًا وَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِيعِينَ، لِكَيْ يُفْنِعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّتَهُمْ، «كَلِمٌ

التَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ «عَوْدٌ لِسَانِكَ لِيَنَّ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، ﴿ وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ﴾ (الإسراء: ٣٦)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعَرِّضُ نَفْسَهُ لِتَثْمِهِ؛ «اتَّقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



الْمُتَكَلِّمِ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا،

فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

«رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَرُبَّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. «فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسْلَمٌ مِنَ الزَّلِيلِ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا احْتِمَالُ الْكِذْبِ. «لَا تُحَدِّثْ بِمَا

تَخَافُ تَكْذِيبَهُ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

طَوْبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ

أَهْلِ النَّارِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْتُهُ، «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



وَقَفَ رَجُلٌ جَمِيلُ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطِ
يَفْتَخِرُ بِمَلَابِسِهِ وَبِمَظْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ
سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَاكَ.

۱- ما قَلَّ وَ دَلَّ: آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخنی کوتاه که منظور را کامل به شنونده برساند).

لِكَيْ يُقْنِعَ : تا قانع کند
(أَقْنَعُ، يُقْنِعُ)
لَيِّنَ : نرم ≠ خَشِنَ
لَيِّنَ : نرمی ≠ خُشُونَةٌ
مَخْبُوءٌ : پنهان = خَفِيٌّ
يُعْرِضُ : در معرض می گذارد
(مَاضِي: عَرَّضَ)

عَوَّدَ : عادت داد
(مَضَارِعُ: يُعَوِّدُ)
قَلَّةٌ : کمی ≠ كَثْرَةٌ
كَلَّمَ : سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ
(مَضَارِعُ: يُكَلِّمُ)
لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو
(حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)
لَا تُقْفُ : پیروی نکن (قَفَا، يَقْفُو)

أَدْعُ : فرا بخوان
(دَعَا، يَدْعُو)
أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند
(تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)
تُهَمُّمٌ : تهمت ها «مفرد: تَهْمَةٌ»
زَلَّلَ : لغزش
سَدِيدٌ : درست و استوار
طَوْبِي لَ : خوشا به حال



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



-
-
-
-
-
- ۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَاٍ.
 - ۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.
 - ۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخَرِينَ بِلِسَانِنَا.
 - ۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.
 - ۵- لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.

اعلموا

الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

■ معمولاً هنگامی که بعد از اسمی **نکره** فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم حرف ربط «که» می آید و فعل، مطابق شرایط جمله ترجمه می شود؛ مثال:

شَاهِدْنَا سِنَجَابًا يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می پرید.



إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.

راضی ساختن مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

رَأَيْتُ وَلدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ.

پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت.

■ عبارت (رَأَيْتُ وَلدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ). از دو جمله تشکیل شده، و بعد از اسم **نکره** «وَلَدًا» **فعل مضارع** آمده است که درباره «وَلَدًا» توضیح می دهد؛ در ترجمه فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و **فعل مضارع** نیز معمولاً **ماضی استمراری** ترجمه می شود.

ماضی + اسم نکره + مضارع ⇐ ماضی استمراری
ترجمه

■ اما اگر فعلِ اوّل مضارع باشد، ترجمه فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دقت کنید.

أَفْتَشُّ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می‌کند)

أَشَاهِدُ طَالِبًا يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.

مضارع + اسم نکره + مضارع ⇐ مضارع التزامی یا مضارع اخباری

ترجمه



■ اکنون به ترجمه جمله زیر دقت کنید.

اِسْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ.

امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + اسم نکره + ماضی ⇐ ماضی بعید یا ماضی ساده

ترجمه

تذکر: ترجمه هنر است و باید در ترجمه به مطالب بسیاری مانند موضوع متن، قرائن و

قواعد زبان مقصد توجه کرد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^۱ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^۲ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ

مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^۳ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيَاتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ)

۳- لَا تَرْفَعُ: بالا برده نمی‌شود

۲- لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی‌کند

۱- لَا تَشْبَعُ: سیر نمی‌شود

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: اِمْلَأِ الْفُرَاغَ فِي آيَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَ أَحَادِيثِهِ بِكَلِمَاتٍ صَحِيحَةٍ.

عِلْمٌ ، النَّارِ ، عُقُولِهِمْ ، الْحَسَنَةِ ، أَحْسَنُ ، لِسَانِهِ ، تَفْعَلُونَ

١- ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي

هِيَ﴾ النَّحْلُ: ١٢٥

٢- ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ﴾ الْإِسْرَاءُ: ٣٦

٣- ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا﴾ الْصَّفَّ: ٢

٤- كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلِيٍّ

٦- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



التَّمرينُ الثَّاني: تَرْجِمِ الْأَحاديثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِهِ^١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)

٢- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي ما لَهُ وَ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٣- أَلْعِلْمُ نَورٌ وَ ضِياءٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيائِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْمُبْتَدَأُ وَ الْفَاعِلُ)

٤- قُلِ الْحَقُّ وَ إِنَّ كانَ مُرًّا^٢. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْمَفْعُولُ)

٥- لا تَقُلْ ما لا تَعْلَمُ، بَلْ لا تَقُلْ كُلَّ ما تَعْلَمُ. أميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلِيُّ ع

(الْمُضارِعَ الْمَنفِيَّ وَ فِعْلَ النَّهْيِ)



التَّامِرِينَ الثَّلَاثُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ.

يُجَادِلُ / مِثَّتَانِ / تَعْلِيمِ / حَفَلَاتِ / أَفْلامِ / امْرَأَةٍ / مُعَمَّرَةٍ / مُزَارِعِ / تَلْمِيذِ / رَائِحَةِ
حاسوب / أبناء / ألفان / أزهار / أساور / إعصار / تبجيل / ساحات / كبائر

رمز ↓

<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	گرامی داشتن	(۱)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	کهنسال	(۲)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	ستیز می کند	(۳)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	یاد دادن	(۴)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	کشاورز	(۵)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	جشن ها	(۶)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	دانش آموز	(۷)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	زن	(۸)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	بو	(۹)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	دو هزار	(۱۰)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	گردباد	(۱۱)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	گناهان بزرگ	(۱۲)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	میدان ها	(۱۳)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	دویست	(۱۴)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	فیلم ها	(۱۵)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	رایانه	(۱۶)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	دستبندها	(۱۷)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	فرزندان	(۱۸)
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	شکوفه ها	(۱۹)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«.....»

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ١- أَلْقِشْر أَلَلْب أَلنَّوِي أَلْغَاز
٢- أَلْيَد أَلرَّأْس أَلْقَدَم أَلسِّيَاج
٣- أَلْإِثْم أَلذُّنْب أَلْحِصَّة أَلْخَطِيئَةُ
٤- أَلثَّعَلَب أَلكَلْب أَللَّيْن أَلذُّب
٥- أَلزُّيُوت أَلْمُزَارِع أَلْعَامِل أَلْمُوظَّف
٦- أَلسَّرُوَال أَلْقَمِيص أَلْفُسْتَان أَلسَّمَك

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرَجِمِ الْجُمَلِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صَوْرَتَهَا أَيَّامَ صِغْرِي. (الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ وَالْمَفْعُولَ)

٢- عَصَفَتْ رِيَا حُ شَدِيدَةً خَرَبَتْ بَيْتًا جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ. (الْمَفْعُولَ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٣- وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا^١ يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ. (الْمَفْعُولَ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٤- أَلْكِتَابُ صَدِيقِي يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ. (الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ)

٥- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ. (الْجَمْعَ الْمَكْسَّرَ وَ نُونَ الْوَقَايَةِ)

۱- ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ الْحُجُرَاتُ: ۱۱

۲- عَوَّذُ لِسَانِكَ لِيْنَ الْكَلَامِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- فَكَّرْتُمْ تَكَلَّمْتُ تَسَلَّمْتُ مِنَ الزَّلِيلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۴- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

(الف) تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هتک نهفته باشد (حدی شیرازی)

(ب) سخن کان از سر اندیشه ناید

نوشتن را و گفتن را نشاید (نظامی گنجای)

(ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی

توانی که پیلی به مویی کشی (حدی شیرازی)

(د) خلایق را به القابی که زشت است

نخواند هر که او نیکو سرشت است (حدی امی قثمه ای)

(ه) آن کس که به عیب خلق پرداخته است

زان است که عیب خویش نشاخته است (امثال و حکم دهخدا)

التمرين السابع: اكتب مفرد الكلمات التالية.

مواضع	أولياء	ساحات	أساور	زيوت	رياح
.....
أقوال	عقول	مخاطبين	آداب	تهم	نصوص
.....

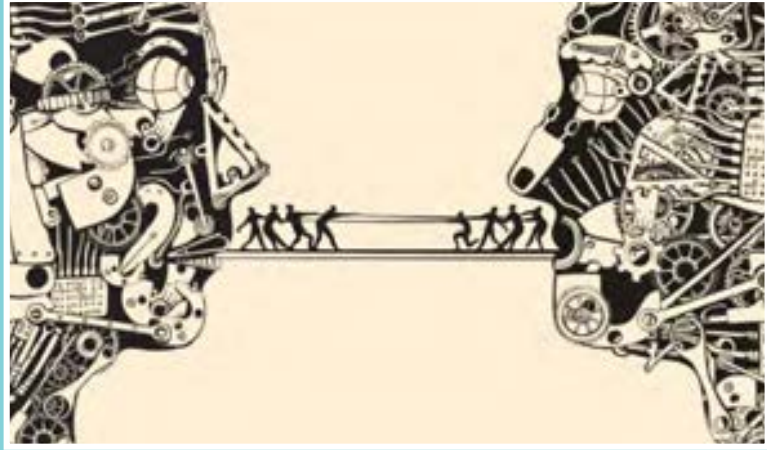
التمرين الثامن: ضع المرادفات والمضادات في الفراغ المناسب. (= ≠)

امتلاً / شاطئ / مزارع / إثم / صغر / تبجيل / ضياء / مخبوء / كلم / ترفع / سديد / مودة

..... = ساحل = ذنب ≠ فرغ = فلاح
..... ≠ سكت = مستور ≠ كبر = تكريم
..... ≠ نزل = صحيح = نور = حب

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.



﴿... وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ ...﴾ الأَنْعَامُ: ١٢٢

﴿... إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى ...﴾ الْأَحْقَافُ: ٣٠

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ...﴾ الْأَنْبِيَاءُ: ٧٣

- ١-
- ٢-
- ٣-
- ٤-
- ٥-





الدُّرْسُ الْخَامِسُ



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

الزُّمَرُ: ٣

بی گمان خدا کسی را که دروغگو و بسیار کافر است راهنمایی نمی کند.



الْكَذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَقَالَ ﷺ: لَا تَكْذِبْ.

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ:

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَ نَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ.

إِذَنْ فَكُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْآخِرِينَ فِي الْحَيَاةِ، وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا، فَإِنْ هَرَبْتَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تُوَاجِهُ مَشَاكِلَ وَ صُعُوبَاتٍ كَثِيرَةً، وَ تُضْطَرُّ إِلَى الْكَذْبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ، وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَبَيَّنُ كَذْبُكَ لِلْآخِرِينَ، فَتَفْشَلُ فِي حَيَاتِكَ.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيجَةَ الْكَذْبِ:

قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأُسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ

سَيَّارَتَنَا انْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا إِطَارٌ اِخْتِيَابِيٌّ، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةٌ تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ، وَ نَحْنُ
الآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ الْجَامِعَةِ، وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ فِي الْإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ
الْمُحَدَّدِ.

وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجَّلَ لَهُمُ الْإِمْتِحَانُ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ وَاحِدٍ، فَفَرِحَ الطُّلَّابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ خُطَّتَهُمْ
لِتَأْجِيلِ الْإِمْتِحَانِ نَجَحَتْ.

فِي الْأُسْبُوعِ التَّالِيِ حَضَرُوا لِلْإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ، وَ طَلَبَ الْأُسْتَاذُ مِنْهُمْ
أَنْ يَجْلِسُوا فِي قَاعَةِ الْإِمْتِحَانِ، ثُمَّ وَزَعَ عَلَيْهِمُ أَوْرَاقَ الْإِمْتِحَانِ.



لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسِئَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هَكَذَا:

- ١ لِمَاذَا انْفَجَرَ الْإِطَارُ؟
- ٢ أَيُّ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟
- ٣ فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟
- ٤ مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَّارَةِ؟
- ٥ كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَحِلُّوا مُشْكِلتَكُمْ؟
- ٦ كَمْ كَانَتْ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الْإِطَارِ؟
- ٧ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟
- ٨ هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟

خَجَلَ الطُّلَّابُ وَنَدِمُوا وَاعْتَذَرُوا مِنْ فِعْلِهِمْ، نَصَحَهُمُ الْأُسْتَاذُ وَ قَالَ:
مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحُ. **عَاهِدَ** الطُّلَّابُ أُسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا، وَ قَالَوا لَهُ نَادِمِينَ:
تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نَنْسَاهُ أَبَدًا.



أَجَلٌ : به تأخیر انداخت

(مضارع: يُؤَجِّلُ/مصدر: تَأَجَّلُ) = أَحْرَ

إِضْطَرَّ : ناگزیر کرد (مضارع: يَضْطَرُّ)

تُضْطَرُّ : ناگزیر می شوی

إِطَارَ : تایر، چارچوب

إِطَارٌ اِحْتِيَاطِيٌّ : چرخ یدکی

تَبَيَّنَ : آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ)

خُطَّةٌ : نقشه، برنامه «جمع: خُطَطٌ»

زاویةٌ : گوشه «جمع: زَوَايَا»

سَاقٌ : رانندگی کرد (مضارع: يَسوقُ)

صُعُوبَةٌ : سختی ≠ سُهولةٌ

صَمِنَ : ضمانت کرد

(مضارع: يَصْمِنُ)

عَاهَدَ : پیمان بست

(مضارع: يُعَاهِدُ)

عِدَّةٌ : چند

فَشِلَّ : شکست خورد

(مضارع: يَفْشِلُ)

قَرَّرَ : قرار گذاشت

(مضارع: يُقَرِّرُ)

كُنَّ : باش

لَنْ : حرف نشانه آینده منفی

مُحَدَّدٌ : مشخص شده

مَقَالٌ : گفتار = قَوْلٌ، گلام

نَدَبٌ : فرا خواند (مضارع: يَنْدُبُ)

وَاجَهَةٌ : روبه رو شد (مضارع: يُوَجِّهُ)

وَزَّعَ : پخش کرد (مضارع: يُوزِّعُ)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنَّ يُوجَّلَ الْإِمْتِحَانَ لِلطُّلَابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ؟

۲- مَاذَا قَالَ الرَّجُلُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ جَاءَ إِلَيْهِ؟

۳- مَا قَالَ الطُّلَابُ لِأُسْتَاذِهِمْ نَادِمِينَ؟

۴- مَنْ قَالَ «مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحُ»؟

۵- كَيْفَ اتَّصَلَ الطُّلَابُ بِالْأُسْتَاذِ؟

۶- لِمَاذَا فَرِحَ الطُّلَابُ؟



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

■ حروف «أَنْ: که» و «گي، ل، لگي، حَتَّى: تا، برای اینکه» بر سر فعل مضارع می آیند و در معنای آن تغییر ایجاد می کنند؛ فعل هایی که دارای این حروف اند، در فارسی «مضارع التزامی» ترجمه می شوند؛ مثال:

يَحْكُمُ: داوری می کند	حَتَّى يَحْكُمَ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش می کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَفْرَحُونَ: شاد می شوید	لِغِي تَفْرَحُوا: تا شاد شوید
يَجْعَلُ: قرار می دهد	لِيَجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبُونَ: می روند	غِي يَذْهَبُونَ: تا بروند

■ فعل مضارع دارای «لَنْ» معادل «آینده منفی» در زبان فارسی است؛ مثال:

تَنَالُونَ: دست می یابید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

این حروف در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف ناصبه نام دارند)، نشانه انتهای فعل های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و نَفْعَلُ» را تغییر می دهند. ﴿... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... نَفْعَلُ﴾

و حرف نون را در انتهای فعل های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلِيْنَ» حذف می کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی کنند.

١ ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٦

٢ ﴿... أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٤

٣ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ.
الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



حوار (في الصيدليّة^١)

الصيّدليّ	ألحاجّ
<p>أعطني الورقة: محرار^٣، حبوب مسكّنة للصداع، حبوب مهدّئة، كبسول أميسيلين، قطن^٤ طبيّ، مرهم^٥ لحساسيّة الجلد^٦ ... لا بأس، ولكن لا أعطيك أميسيلين.</p>	<p>عفوًا، ما عندي وصفة و أريد هذه الأدوية^٢ المكتوبة على الورقة.</p>
<p>لأنّ بيعها بدون وصفة غير مسموح. لمن تشتري هذه الأدوية؟</p>	<p>لماذا لا تعطيني؟</p>
<p>رجاءً، راجع^٨ الطيب؛ الشفاء من الله.</p>	<p>أشترىها لزملائي في القافلة يا حضرة الصيّدليّ^٧.</p>



٣- ألمحرار: دماسنج

٦- أالجلد: پوست

٢- الأدوية: داروها، مفرد: الدواء

٥- مرهم: پماد

٨- راجع: مراجعه كن

١- الصيّدليّة: داروخانه

٤- القطن: پنبه

٧- حضرة الصيّدليّ: جناب داروخانه دار

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ فِعْلٍ مِنْ أَفْعَالِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ يُنَاسِبُ التَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- شَاهَدَ وَجْهًا لَوَجْهِ.

٢- ظَهَرَ وَ صَارَ وَاضِحًا.

٣- لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ.

٤- أَعْطَاهُ عَهْدًا وَ قَوْلًا بِأَنْ يَفْعَلَ شَيْئًا.

٥- قَرَّرَ أَنْ يَفْعَلَ مَا قَصَدَهُ مَعَ التَّأخِيرِ.

التَّمرينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لَا تَغْتَرَّوْا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ^٢ ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ

الْأَمَانَةِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِعْلَ الْأَمْرِ، وَ فِعْلَ النَّهْيِ)

٢- لَا تَسْتَشِرْ^٣ الْكُذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ^٤ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ^٥ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اسْمَ الْمُبَالَغَةِ)

٣- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَحْتِيَالِهِ^٦. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْفَاعِلُ)

٤- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فِعْلَ النَّهْيِ)

١- لَا تَغْتَرَّوْا: فَرِيبَ نَخْوَرِيد

٢- الصِّيَامُ: رَوْزَه

٣- لَا تَسْتَشِرْ: بَا ... مَشُورَتِ نَكْن

٤- يُقَرِّبُ: نَزْدِيكَ مِي سَازَد

٥- يُبْعِدُ: دُور مِي سَازَد

٦- الْأَحْتِيَالُ: فَرِيكَارِي

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | | | | | |
|--------------------------|----------|--------------------------|----------|--------------------------|----------|--------------------------|-----------|
| <input type="checkbox"/> | مَقَال | <input type="checkbox"/> | كَلَام | <input type="checkbox"/> | قَوْل | <input type="checkbox"/> | إِطَار |
| <input type="checkbox"/> | كَلَّمَ | <input type="checkbox"/> | حَدَّثَ | <input type="checkbox"/> | كَمَّلَ | <input type="checkbox"/> | تَكَلَّمَ |
| <input type="checkbox"/> | جُدُوع | <input type="checkbox"/> | تَأْجِيل | <input type="checkbox"/> | أَثْمَار | <input type="checkbox"/> | أَعْصَان |
| <input type="checkbox"/> | يَغْرِسُ | <input type="checkbox"/> | يَنْبُتُ | <input type="checkbox"/> | يَزْرَعُ | <input type="checkbox"/> | يَخْنُقُ |
| <input type="checkbox"/> | أَحْمَر | <input type="checkbox"/> | أَسْوَد | <input type="checkbox"/> | أَخْضَر | <input type="checkbox"/> | أَكْرَم |

التمرين الرابع: تَرَجِّمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- ﴿... فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ الأعراف: ٨٧ (فِعْلَ الْأَمْرِ)

٢- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ...﴾ الأفتح: ١٥ (الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٣- ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيٰ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الأحزاب: ٤٣ (الْجَارَّ وَالْمَجْرُورَ)

٤- ﴿... لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ...﴾ آل عمران: ١٥٣ (الْفِعْلَ الْمَاضِيَ)

٥- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ آل عمران: ٩٢ (الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ)

١- يُصَلِّيٰ: درود می فرستد ٢- لِكَيْلَا: لكي+لا ٣- فَاتٌ: از دست رفت ٤- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

التمرين الخامس: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ١- اجْلِسْ عَلَى الْكُرْسِيِّ:
- ٢- تَجَلِسُ مَعَ زَمِيلِكَ:
- ٣- اِصْبِرْ لِكَيْ يَجْلِسَ:
- ٤- جَالِسٌ خَيْرَ النَّاسِ:
- ٥- لَا تَجْلِسُوا هُنَاكَ:
- ٦- لَنْ يَجْلِسَنَ هُنَا:
- ٧- أُرِيدُ أَنْ أَجْلِسَ:
- ٨- رَجَعْنَا لِنَجْلِسَ:

التمرين السادس: اُكْتُبِ مُفْرَدَ الْجُمُوعِ التَّالِيَةِ.

أَدْوِيَّةٌ	خُطَطٌ	أَفَاضِلٌ	أَحْيَاءٌ	صُعُوبَاتٌ
.....
أَصْدِقَاءٌ	أَسَاتِذَةٌ	عُيُوبٌ	إِخْوَانٌ	أَعْمَالٌ
.....
أَسْئَلَةٌ	أَسَابِيعٌ	إِجَابَاتٌ	طُلَّابٌ	أَخْلَاقٌ
.....

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قُبْحِ الْكِذْبِ وَ عَاقِبَتِهِ السَّيِّئَةِ.





الدَّرْسُ السَّادِسُ



تَعَلَّمْ كُلَّ لُغَةٍ فَتُحَتِّ إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.
یادگیریِ هر زبانی، دریچه‌ای به سوی جهانی نوین است.



تُعَدُّ الدُّكْتُورَةُ «آنه ماري شيمل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ.

وُلِدَتْ فِي «أَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ

مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيرَانَ. كَانَ عُمُرُهَا خَمْسَةَ

عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى

شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفَلَسَفَةِ وَ الدَّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهَا؛

تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شِيمِلُ تَدْعُو الْعَالَمَ الْعَرَبِيَّ الْمَسِيحِيَّ لِفَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ الْإِطْلَاعِ

عَلَيْهِ. وَ هَذَا الْعَمَلُ رَفَعَ شَأْنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الْإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ

مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامْ أَبَادِ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةِ وَ طَهْرَانَ.

إِنَّهَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الْفَرَنْسِيَّةُ وَ

الأُرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تُلقِي مُحَاضِرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. فَهِيَ كَانَتْ مِثَالًا لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ:

«الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ»

أَلْفَتْ شِيمِلُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الْبَلْخِيِّ.

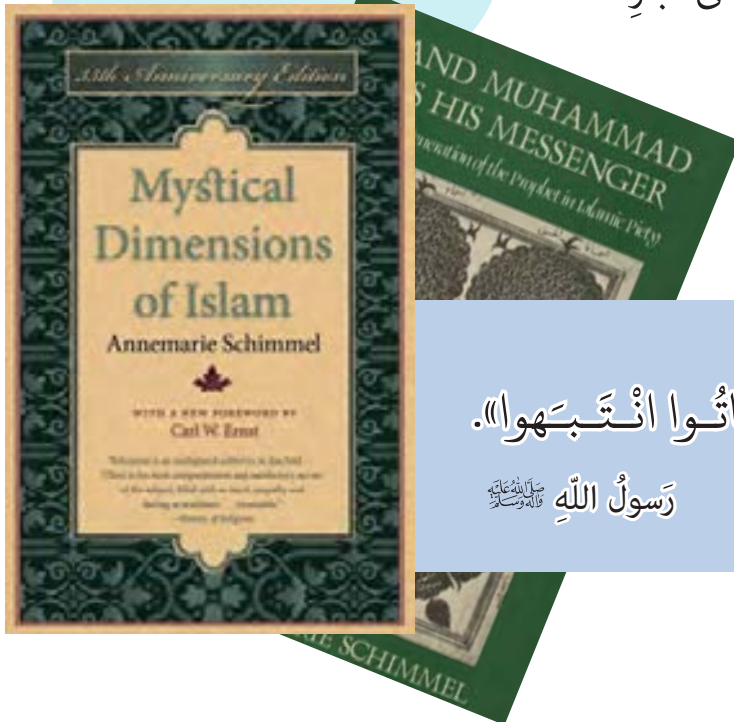
هِيَ كَانَتْ تُحِبُّ الْعَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَ بَاكِسْتَانِ، وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.

قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمَلَاءَهَا أَنْ يُشَكِّلُوا فَرِيقًا لِلْحِوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدَفُهُ الْأَعْلَى «مَدَّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَ التَّفَاهُْمِ بَيْنَ أُوْرُوْبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ «الِاتِّحَادَ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شَيْمِلَ فِي إِحْدَى مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:

«أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَّةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ لَا أُرَاجِعُ تَرْجَمَتَهَا».

هِيَ أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:



«النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا».

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فَرَنْسِيَّةٌ : فرانسوی

قَارِبٌ : نزدیک شد

«ما يُقَارِبُ: نزدیک به»

مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی

مَدٌّ : کشید، گسترش داد

مُسْتَشْرِقٌ : خاورشناس

مُعْجَبَةٌ بِ: شيفته (أَعْجَبَ، يُعْجَبُ)

مُقَابَلَةٌ : مصاحبه

مُنْدٌ : از هنگام

حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد

(مضارع: يَحْصُلُ)

حَضَارَةٌ : تمدن

دُكْتُورَاهُ : دکترا

شَكَّلَ : تشکیل داد (مضارع: يُشَكِّلُ)

شَهَادَةٌ : مدرک

عَدَّ : به شمار آورد، شمرد

(مضارع: يَعُدُّ)

فَخْرِيَّةٌ : افتخاری

أُرْدِيَّةٌ : زبان اردو

أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)

أَلْقَى : انداخت (مضارع: يُلْقِي)

كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضِرَةً: سخنرانی می کرد

إِنْجِلِيزِيَّةٌ : انگلیسی

أَنْكَرَا : آنکارا

أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع: يَوْصِي)

ثَقَافِيٌّ : فرهنگی

«ثَقَافَةٌ: فرهنگ»

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

۲- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَيَّ قَبْرِ شَيْمِلِ؟

۳- كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلَفْتُ شَيْمِلِ؟

۴- بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلُ زُمَلَاءَهَا؟

۵- أَيْنَ وُلِدَتْ شَيْمِلِ؟

اعلموا

تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

- حروف «لَمْ، لَ، لا» بر سر فعل‌های مضارع می‌آیند و معنای آن را تغییر می‌دهند.
- حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

لَمْ يَسْمَعُ: نشنید، نشنیده است	يَسْمَعُ: می‌شنود
لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته‌اید	تَذْهَبُونَ: می‌روید
لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوخته‌اید	تَكْتُبْنَ: می‌نویسید

- حرف «لِ امر» بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می‌باشد؛ مثال:

لِنَرْجِعْ: باید برگردیم	نَرْجِعُ: برمی‌گردیم
لِيَعْلَمُوا: باید بدانند	يَعْلَمُونَ: می‌دانند

- در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لای نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

لَا تَيَأْسُ: ناامید نشو	تَيَأْسُ: ناامید می‌شوی
لَا تُرْسِلُوا: نفرستید	تُرْسِلُونَ: می‌فرستید

- همین حرف «لای نهی» اگر بر سر سایر ساخت‌های فعل مضارع بیاید، به معنای «نباید» و معادل «مضارع التزامی» منفی در فارسی است؛ مثال:

لَا يُسَافِرُونَ: سفر می‌کنند	يُسَافِرُونَ: سفر نباید کنند
-------------------------------	------------------------------

- حروف «لَمْ، لَ، لا» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می‌کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و نَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. ﴿... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... نَفْعَلُ﴾ و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلِينَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلِينَ و تَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۱ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التَّوْبَةُ : ٤٠

۲ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ الرَّعْدُ : ١١

۳ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

چند نکته:

■ نکته (۱) : فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ نکته (۲) : ترجمه فعلی مانند «لِيَعْلَمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است؛

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَّابَ لِتَعَلُّمِ دُرُوسِهِمْ فَلِيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون‌ها دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند و باید این را

بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ نکته (۳) : حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لِ» تبدیل می‌شود؛ مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لِهِنَّ، لَهُمَا، لَكَ، لِكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُما، لَنَا.

در «لي» این گونه نیست.

■ نکته (۴) : تاکنون با دو نوع حرف «ل» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط داخل متن امکان دارد:

- ۱- «ل» به معنای «مال، از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم‌کارت مال کیست؟»
 «ل» به معنای «برای» مانند «اِشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».
 «ل» به معنای «داشتن» مانند «لِي شَهَادَةٌ فِي الحَاسِبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».
 ۲- «ل» به معنای «باید» مانند «لِنَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».
 «ل» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى المَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «ل» پس از حرف‌هایی مانند «و، ف» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:
 ف + ل + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ القَوَاعِدِ.

- ۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الْفَاتِحَةُ: ۲
- ۲ بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ.
- ۳ لِنَسْتَمِعَ إِلَى الكَلَامِ الحَقِّ.
- ۴ لِمَنْ هَذِهِ الجَوَازَاتُ؟

التمرين الأول: ضِعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- ١- كَانَتْ شَيْمِلُ مِنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ بِإِيرَانِ.
- ٢- الدُّكْتُورَاهُ هِيَ شَهَادَةٌ تُعْطَى لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لِجُهْدِهِ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.
- ٣- إِنَّ ثَانِي أَكْبَرَ مَدِينَةٍ فِي تَرْكِيَا بَعْدَ إِسْطَنْبُولِ.
- ٤- الشَّعْبُ الْبَاكِسْتَانِيُّ يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ
- ٥- اللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي بَرِيطَانِيَا

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى.

- ١- الْأُسْبُوعُ الشَّهْرُ الثَّقَافَةُ السَّنَةُ
- ٢- الْأُرْدِيَّةُ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ الْفَرَنْسِيَّةُ الْفَخْرِيَّةُ
- ٣- الرَّمِيلُ الْقَمِيصُ الصَّدِيقُ الْحَبِيبُ
- ٤- الْقَرْيَةُ الْمَدِينَةُ الْبِلَادُ النَّيَامُ
- ٥- الشَّهَادَةُ الطُّفُولَةُ الصَّغَرُ الْكِبَرُ
- ٦- الْقِطُّ الرُّمَانُ التُّفَاحُ الْعِنَبُ

الْتَمَرِينُ الثَّلَاثُ: اِقْرَأِ الْآيَاتِ التَّلَايِيَةَ، ثُمَّ ائْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيْحَةَ.

۱- ﴿... عَلَيَّ اللهُ فَلَيْتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

- الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.
- ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الْحَجُّرَات: ۱۴
بادیه نشینان گفتند: ...

- الف) ... «ایمان می آوریم.» بگو: «ایمان نمی آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می مانیم.»
- ب) ... «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم.»

۳- ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الزُّمَر: ۵۲

- الف) آیا ندانسته اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می گستراند؟
- ب) آیا نمی دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می کند؟

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ * اللهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ * وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾
سورة الإِخْلَاصِ

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی نیاز است ...

- الف) ... نمی زاید و زاده نمی شود و کسی همانندش نیست.
- ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش همتا نبوده است.

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ^۱ مِنْ جُوعٍ^۲ وَآمَنَهُمْ^۳ مِنْ خَوْفٍ﴾

سوره قريش

پس پروردگار این خانه را...

- الف) ... می پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.
- ب) ... باید پرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.



۳- آمَنَ: ایمن کرد، ایمن آورد

۲- الْجُوع: گرسنگی

۱- أَطْعَمَ: خوراک داد

التمرين الرابع: ضع في الفراغ كلمة مناسبة.

- ١- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقَدُّمِ فِي مِيَادِينِ الْعِلْمِ وَ الصَّنَاعَةِ وَ الْأَدَبِ مِهْرَجَانًا حَضَارَةً
- ٢- أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فِضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل. أَشَارَ أَثَارَ
- ٣- هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. الشَّهَادَةَ الثَّقَافَةَ
- ٤- أَلْقَى أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شَيْمِل. مُحَاضِرَةً مُسَجَّلًا
- ٥- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ. الزَّمِيمُ الْأَمْضِيأُف

التمرين الخامس: انتخب الجواب الصحيح.

- ١- عَلَيكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَيَأَسَ كَي تَيَأَسَ لَا تَيَأَسَ
- ٢- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرْ لِكَي أُسَافِرَ
- ٣- أُرِيدُ إِلَى سَوْقِ الْحَقَائِبِ. أَنْ أُذْهَبَ لَمْ أُذْهَبْ إِنْ أُذْهَبَ
- ٤- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ عَدَاً. لَنْ يَرْجِعَ مَا رَجَعَ لَمْ يَرْجِعْ
- ٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ لَا يَجْتَهِدُ يَجْتَهِدُ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

- | | |
|---|---|
| الف) کم کومی و کزیده کومی چون دُر | تا زانک توجان شو پُر (نظامی گنجه‌ای) |
| ب) علم کز اعمال نشائش نیست | کالبدی دارد و جائش نیست (امیر خسرو دهلوی) |
| ج) اندازہ نگہ دار کہ اندازہ نکوست | ہم لایق دشمن است و ہم لایق دوست (سعدی) |
| د) روزگار است آن کہ کہ عزت دہد کہ خوار دارد | چرخ بازیگر ازین بازیچہ ہا بسیار دارد (قائم مقام فرہانی) |
| ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروّت با دشمنان مدارا (حافظ) |
| و) دشمن دانا کہ غم جان بود | بہتر از آن دوست کہ نادان بود (نظامی گنجه‌ای) |

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(أَنْقَرَةَ / الْإِنْجِلِيزِيَّةُ / الْحَضَارَةُ / فُخْرِيَّةٌ / مُنْذُ / الْمُسْتَشْرِقُ / مُحَاضِرَةٌ / شَهَادَاتٍ)

- ١- مَا رَأَيْتُ جِيرَانِي يَوْمَ الْخَمِيسِ.
- ٢- نَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ مِنْ الصَّفِّ السَّابِعِ.
- ٣- أَلْقَى الْأُسْتَاذُ ثَقَافِيَّةً أَمَامَ الطُّلَابِ.
- ٤- كَانَتْ السُّومِرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.
- ٥- أَلدُّكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى التَّخْصُّصِ فِي الْجَامِعَاتِ.
- ٦- إِنَّ عَالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ الْغَرْبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.



■ اُكْتُبْ عَنْ أَحَدِ هَؤُلَاءِ الْمُسْتَشْرِقِينَ الَّذِينَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْفَارِسِيَّةَ أَوْ الْعَرَبِيَّةَ.



هانري كوربين (هنري كوربين)
Henry Corbin



رينولد نيكلسون
Reynold Alleyne Nicholson



يوهان غوته
Johann
Wolfgang von Goethe



ولاديمير مينورسكي
Vladimir Minorski



توشي هيكو ايزوتسو
Toshihiko Izutsu



إدوارد براون
Edward Granville Browne

«يوهان غوته» هُوَ أَحَدُ أَشْهَرِ أَدْبَاءِ أَلْمَانِيَا، وَ الَّذِي تَرَكَ إِرْثًا أَدْبِيًّا وَ ثَقَافِيًّا عَظِيمًا لِلْمَكْتَبَةِ الْعَالَمِيَّةِ.
«رينولد نيكلسون» هُوَ مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ. خَبِيرٌ فِي التَّصَوُّفِ وَ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، وَ يُعْتَبَرُ مِنْ أَفْضَلِ الْمُتَرْجِمِينَ لِأَشْعَارِ جَلَالِ الدِّينِ الرَّوْمِيِّ.
«هنري كوربين» فَيْلَسُوفٌ وَ مُسْتَشْرِقٌ فَرَنْسِيٌّ اِهْتَمَّ بِدِرَاسَةِ الْإِسْلَامِ. أَسَّسَ فِي فَرَنْسَا قِسْمًا لِتَارِيخِ إِيرَانَ.
«إدوارد براون» مُسْتَشْرِقٌ إِنْجِلِيزِيٌّ نَالَ شُهْرَةً وَاسِعَةً فِي الدِّرَاسَاتِ الشَّرْقِيَّةِ وَ كَانَ يَعْرِفُ الْفَارِسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا.
«توشي هيكو ايزوتسو» أَوَّلُ مَنْ تَرَجَمَ الْقُرْآنَ إِلَى اللُّغَةِ الْيَابَانِيَّةِ. وَ كَانَ يَعْرِفُ ثَلَاثِينَ لُغَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ.
«فلاديمير مينورسكي» مُسْتَشْرِقٌ رُوسِيٌّ. أَسْتَاذٌ فِي دِرَاسَةِ الْفَارِسِيَّةِ وَ الْكُرْدِيَّةِ.¹



الدَّرْسُ وَالسَّابِحُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ *﴾

خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿الرَّحْمَنُ: ١ تا ٤﴾

خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن گفتن را به او آموخت.

تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية



المفردات الفارسية دخلت اللغة العربية منذ العصر الجاهلي، فقد نُقلت إلى العربية ألفاظ فارسية كثيرة بسبب التجارة ودخول الإيرانيين في العراق واليمن، وكانت تلك المفردات ترتبط ببعض البضائع التي ما كانت عند العرب كالمسك والديباغ. واشتد النقل من الفارسية إلى العربية بعد انضمام إيران إلى الدولة الإسلامية.

وفي العصر العباسي ازداد نفوذ اللغة الفارسية حين شارك الإيرانيون في قيام الدولة العباسية على يد أمثال أبي مسلم الخراساني وآل برمك. وكان لابن المقفع دور عظيم في هذا التأثير، فقد نقل عدداً من الكتب الفارسية إلى العربية، مثل كيلة ودمنة.

وللفيروزآبادي معجم مشهور باسم القاموس يضم مفردات كثيرة باللغة العربية. وقد بين علماء اللغة العربية والفارسية أبعاد هذا التأثير في دراساتهم، فقد ألف الدكتور التونجي كتاباً يضم الكلمات الفارسية المعربة سماه «معجم المعربات الفارسية في اللغة

العربية».

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصْوَاتُهَا وَأَوْزَانُهَا، وَ نَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَقًا لِأَلْسِنَتِهِمْ، فَقَدْ بَدَّلُوا الْحُرُوفَ الْفَارِسيَّةَ «گ، چ، پ، ژ» الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا؛ مِثْلُ:

پَرْدِيس ← فِرْدَوْس، مِهْرگان ← مِهْرَجَان، چَادْرَشَب ← شَرَشَف و ...

وَ اسْتَقْفُوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى، مِثْلُ «يَكْنِزُونَ» فِي آيَةِ ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...﴾ مِنْ كَلِمَةِ «گنج» الْفَارِسيَّةِ.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأَسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ، وَ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛ كَانَ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ فَقَدْ زِدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ الدِّينِيِّ.

الْفَارِسيَّةُ



إِزْدَادٌ : افزایش یافت

(مضارع: يَزْدَادُ)

إِشْتَدَّ : شدت گرفت

(مضارع: يَشْتَدُّ)

إِشْتَقَّ : برگرفت (مضارع: يَشْتَقُّ)

إِنْضَمَّ : پیوستن (انضمَّ، يَنْضُمُّ)

بَيَّنَّ : آشکار کرد (مضارع: يَبَيِّنُّ)

تَغَيَّرَ : دگرگون شد

(مضارع: يَتَغَيَّرُ)

دَخِيلٌ : وارد شده

دِيبَاجٌ : ابریشم

شَارِكٌ : شرکت کرد

(مضارع: يُشَارِكُ)

مُعَرَّبٌ : عربی شده

مُفْرَدَاتٌ : واژگان

مُسْكٌ : مُشْكٌ

نَطَقَ : بر زبان آورد (مضارع: يَنْطِقُ)

نَقَلَ : منتقل کرد (مضارع: يَنْقُلُ)

وَفَقَّاهُ : بر اساس

يَضُمُّ : در برمی گیرد (ماضی: ضَمَّ)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

۱- لماذا ازدادت المفردات العربية في اللغة الفارسية بعد ظهور الإسلام؟

۲- مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

۳- مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۴- أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟

۵- مَتَى إِزْدَادَ نُفُودُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۶- مَا هُوَ الْأَصْلُ الْفَارِسِيُّ لِكَلِمَةِ «كَنْزٌ»؟

اعلموا

معاني الأفعال الناقصة

■ فعل‌های پرکاربرد «**كان**، **صار**، **ليس** و **أصبح**» افعال ناقصه نام دارند.

■ **كان** چند معنا دارد:

- ۱- به معنای «**بود**»؛ مثال: **كانَ البابُ مُغْلَقاً**. در بسته بود.
- ۲- به معنای «**است**»؛ مثال: ﴿**إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً**﴾ الأَحْزَاب: ۲۴
بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.
- ۳- **كانَ** به عنوان «**فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری**»؛ مثال: **كانوا يَسْمَعُونَ**: می‌شنیدند.
- ۴- **كانَ** به عنوان «**فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید**»؛ مثال: «**كانَ الطَّالِبُ سَمِعَ**» و «**كانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ**» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».
- ۵- «**كانَ**» بر سر «**لِ**» و «**عِنْدَ**» معادل فارسی «**داشت**» است؛ مثال:
كانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةٍ. انگشتر نقره داشتم.
كانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.
مضارع **كانَ** «**يكونُ**» به معنای «**می‌باشد**» و امر آن «**كُنْ**» به معنای «**باش**» است.

■ **صارَ** و **أصبحَ** به معنای «**شد**» هستند. مضارع **صارَ** «**يصيرُ**» و مضارع **أصبحَ** «**يُصبحُ**»

است؛ مثال:

﴿... **أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً**﴾ الْحَجَّ: ۶۳

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَظَّفَ ^۲ الطُّلَّابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

۱- الْمُخْضَرَّةُ: سرسبز ۲- نَظَّفَ: تمیز کرد

■ **لَيْسَ** یعنی «نیست»؛ مثال:

﴿... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آل عمران: ۱۶۷

با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کند داناتر است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

۱ ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ مريم: ۵۵

۲ ﴿وَأَوْفُوا^۱ بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الإسراء: ۳۴

۳ ﴿... يَقُولُونَ بِالْسِنْتِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الْفَتْح: ۱۱

۴ ﴿... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ الْأنعام: ۵۳

۵ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ^۲ لِلسَّائِلِينَ﴾ يوسُف: ۷

۶ ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ^۳ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ

بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران: ۱۰۳

۳- أَلْفٌ: همدل کرد، به هم پیوست

۲- آيات: نشانه‌ها

۱- أَوْفُوا: وفا کنید

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (مع الطبيب)

المريض

الطبيب

أشعرُ بِالْمِ^١ في صدري، وَ عِنْدِي صُدَاعٌ.

ما بِكَ؟

ما عِنْدِي ضَغْطُ الدَّمِّ وَ لَا مَرَضُ السُّكَّرِ.

أَضْغَطُ الدَّمِّ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟

بَعْدَ الْفَحْصِ يَقُولُ الطَّبِيبُ:

ماذا تَكْتُبُ لي، يا حَضْرَةَ الطَّبِيبِ؟

أنت مُصَابٌ^٢ بِزُكَامٍ^٣، وَ عِنْدَكَ حُمَّى^٤ شَدِيدَةٌ. أَكْتُبُ لَكَ وَصْفَةً.

مِنْ أَيْنَ اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَةَ؟

أَكْتُبُ لَكَ الشَّرَابَ وَ الْحُبُوبَ الْمُسَكَّنَةَ.

شُكْرًا جَزِيلًا.

اسْتَلِمَ الْأَدْوِيَةَ فِي الصَّيْدَلِيَّةِ الَّتِي فِي نِهَائَةِ مَمَرِّ الْمُسْتَوْصَفِ.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

تَتَحَسَّنُ^٥ حَالُكَ.

فِي أَمَانِ اللَّهِ.

مَعَ السَّلَامَةِ.



١- الأَلَم: درد ٢- المصَاب: دچار ٣- الزُّكَام: سرماخوردگی شدید ٤- الحُمَّى: تب ٥- تتَحَسَّنُ: خوب می‌شود

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. ✓ x

- ١- أَلْمِسْكَ عِطْرٌ يَتَّخِذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ.
- ٢- أَلشَّرَشْفُ قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.
- ٣- أَلْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.
- ٤- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.
- ٥- أَلْفُ الدُّكْتورِ التُّونِجِيِّ كِتَابًا يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

- ١- تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. الف. هر چه پیش آید خوش آید.
- ٢- أَلْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. ب. کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ.
- ٣- أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي. ج. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
- ٤- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. د. نمک خورد و نمکدان شکست.
- ٥- أَلصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ه. از دل برود هر آنکه از دیده رود.
- ٦- أَلْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. وَ بَرَدَ كَشْتِي أَنْجَا كِه خَوَاهِدِ خَدَايِ وَ گَرِ جَامِه بَرِ تَنْ دَرَدِ نَاخَدَايِ

١- تَشْتَهِي: می خواهد، میل دارد

التمرين الثالث: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ١- لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ..... ٧- أَكْتُبْ بِخَطِّ وَاضِحٍ.....
- ٢- كَانُوا يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ..... ٨- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.....
- ٣- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئًا..... ٩- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.....
- ٤- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجَحُ..... ١٠- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللَّوْحِ.....
- ٥- يُكْتُبُ مِثْلَ عَلَى الْجِدَارِ..... ١١- أَخَذْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ.....
- ٦- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي.....

التمرين الرابع: اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ.

(اسْمُ الْفَاعِلِ، اسْمُ الْمَفْعُولِ، اسْمُ الْمُبَالَغَةِ، اسْمُ الْمَكَانِ، اسْمُ التَّفْضِيلِ)

- ١- ﴿... يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ...﴾ طه: ١٢٨
- ٢- ﴿... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ نوح: ١٠
- ٣- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...﴾ الرِّحْمَن: ٤١
- ٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبِهَائِمِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٥- إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. الْإِمَامُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٦- يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ. مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ، وَ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

۱- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ٤٧

گفت: پروردگارا، من به تو ...

الف) ... پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم.

ب) ... پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم.

الِاسْمِ النَّكِرَةِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ:

۲- ﴿...وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ النساء: ۳۲

الف) و از خدا بخشش او را بخواهید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست.

ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود.

الِاسْمِ النَّكِرَةِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ:

۳- ﴿... يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النبأ: ۴۰

روزی که ...

الف) ... آدمی آنچه را [با] دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: کاش من خاک بودم.

ب) ... مرد آنچه را [با] دستش تقدیم کرده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: من همانند خاک شدم.

الْفِعْلِ الْمَضَارِعِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ:

۴- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكَرَةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا نَشِيطِينَ.

الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می‌کردند و پس از بازی با نشاط شدند.

ب) بچه‌ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط، خوشحال هستند.

الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ:

۵- كُنْتُ سَاكِتًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

الف) ساکت شدم و کلمه‌ای نمی‌گویم؛ برای اینکه چیزی از موضوع نمی‌دانم.

ب) ساکت بودم و کلمه‌ای نگفتم؛ زیرا چیزی درباره‌ی موضوع نمی‌دانستم.

الْمَفْعُولُ، وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ:

لِلْمُطَالَعَةِ

الْمُعْرَبَاتُ الْفَارْسِيَّةُ

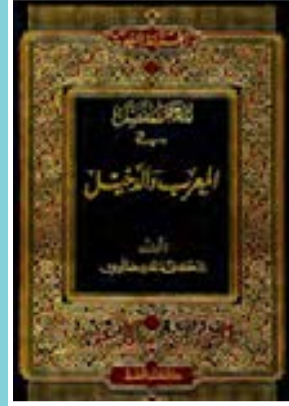
إِبْرِيْسَم: إِبْرِيْشَم / إِبْرِيْق: آْبْرِيْز / أَرْجَوَانِي: أَرْعَوَانِي / أَسْتَاذ: أَسْتَاذ / إِسْتَبْرَق: سِتْبَرْگ / أَسْطُوَانَة: أَسْطُوَانَه / بَابُونَج: بَابُونَه / بَخْشِيْش ← بَخْشِيْش (بِالْفَارْسِيَّة: اَنْعَام) / بَابُوْج (نَوْعٌ مِّنَ الْجِدَاءِ) ← پاپوش / بَاذَنْجَان: بَاتَنْگَان (بِالْفَارْسِيَّة: بَادِمْجَان) / بَرْبَط: (بِرِ الْفَارْسِيَّة: سِيْنَه + بَت: بِالْفَارْسِيَّة: أَرْدَك) مِّنْ آلَاتِ الْمَوْسِيْقَى / بَرْزَخ ← بَرْزَ أَخُو (أَلْعَالَمُ الْأَعْلَى: جِهَانُ بَالَا) / بَرْنَامَج: بَرْنَامَه / بَرَوَاز ← پَرَوَاز: قَاب / بَرِيْد ← بُرِيْدَه دُم: پُست / بُسْتَان: بُوْسْتَان / بَغْدَاد: بَغ + دَاد (خَدَادَاد) / بُوْسَة ← بُوْسَه / بَهْلَوَان ← پَهْلَوَان (بِالْفَارْسِيَّة: بَنْدَبَاز) / بَس: بَس / بَط: بَت (بِالْفَارْسِيَّة: اَرْدَك) / بِلَّوْر: بِلَّوْر / بَنْفَسَج: بَنْفَسَه / تَارِيْخ: تَارِيْک / تَتْوِيْج: تَاجْ گِذَارِي ← تَاج / تَخْت: تَخْت / تَرْجُمَان (تَرْجَمَة) ← تَرْزُبَان / تَنْوَر: تَنْوَر / تَوْت: تَوْت / جَامُوْس: گَاوَمِيْش / جَزْر: گَزْر / جَص: جَج / جُلَاب: گُلَاب / جُلْنَار: گُلْنَار / جُنَاح: گُناهِ / جُنْدِي: گُنْدِي / جُوْرَاب: گُوْرَاب (گُوْرَاب) / جُوْز: گُوْز (بِالْفَارْسِيَّة: گِرْدُو) / جَوْشَن ← جَوْشَن: زَرَه / جَوْهَر: گَوْهَر /

حِرْبَاء: هوربان (هور: خور «خورشید») / خانة: خانه (بُيُوتُ فِي لَعْبَةِ الشُّطْرَنْجِ) / خَنْدَق: گندگ / دِجَلَة: تیگره (تند و تیز) / دَرُوش: درویش / دُسْتور ← دَسْتور: قانون / دِیاج: دیبا / دین: دین / رازیانج: رازیانه / رِزْق ← روچیک، روزیک «روزی» / روزنامه ← روزنامه (بِالْفَارْسِيَّةِ: تَقْوِيم) / رَوَظَة ← روزنه / رَهْنَامَج: راهنما (دَلِيلٌ لِلسَّفَرَاتِ الْبَحْرِيَّةِ) / زَرْكَش ← زَرْكَش (نَسَجَ الْقَمَاشَ بِخِيوطٍ مِنَ الذَّهَبِ: تارهای زر به پارچه کشید) / زَمَان: زمان / زَمَهْرِير: بسیار سرد / زَنْبِيل: (زَنْ: امْرَأَة + بَال: يَد = عَلَى يَدِ الْمَرْأَةِ) / زَنْجَار: زنگار / سَادَج: ساده «سَدَاجَة: سادگی» / سَاعَة: سایه / سَجِيل: سنگ گِل / سَخَط: سَخْت (الْغَضَبُ الْكَثِيرُ) / سِرَاج: چراغ / سُرَادِق: سراپرده / سَرَخَس: سَرَخَس / سِرْدَاب: سرداب (زیر زمین: بِنَاءٌ تَحْتَ الْأَرْضِ) / سَرَمَد: سَرَامَد (بی آغاز و پایان: مَا لَا أَوَّلَ لَهُ وَ لَا آخِرَ) / سِرْوَال: شلوار / سُكَّر: سُكَّر / سَكَنْجَبِين: سرکه انگبین / سَلْجَم: سَلْجَم / سِنْجَاب: سِنْجَاب / سَوْسَن: سَوْسَن / شَاشَة: صفحه تلویزیون ← شیشه / شاهین (صَقْر): شاهین / شَوْنَدَر: چُغُنْدَر / شَهْدَانَج: شاهدانه / شَيْء ← شَيْء: چیز / صَفَق: دست زد ← چِپَك / صَلِيب ← چَلِيبَا / صَنْج: چنگ، سنج / طَارَج: تازه / طَسْت: تَشْت / عَبَقْرِي ← آبکاری / عَفْرِيَت ← آفرید / فِرْجَار، بَرْكَار ← پَرْكَار / فُسْتُق: پسته / فِلْفِل: پلپل / فُولَاذ: فولاد / فَيْرُوز ← پیروز / فَيْرُوزَج: فیروزه / فِيل: پیل / كَاس: کاسه / كَافُور ← کاپور / كَهْرَبَاء: کاهربا / كَنْز: كَنْج / لِجَام: لگام / مِحْرَاب: مِهْرَاب / مِسْكَ ← مِشْكَ: مُشْكَ / مِيزَاب ← مِيزَاب: ناودان «گُمِيز+آب» / نَارَنْج ← نار رنگ: نارنج / نِسْرِين: نَسْرِين / نِفْط: نَفْت / نَمَارِق: بالشها (جمع نَرْمَك) / نَمُودَج: نمونه / وَرْد ← ورد / وَزِير: ویچیر / هَنْدَسَة: اندازه

■ در امتحانات از بخش معرّبات فارسی هیچ سؤالی طرح نمی‌شود.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اُكْتُبْ عِشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً أَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



أَيُّهَا الْأَحِبَّاءُ، نَسْتَوِدُّكُمْ^١ اللَّهُ، إِلَى اللَّقَاءِ،
سَنَلْتَقِي^٢ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصَّفِّ
الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنَّى^٣ لَكُمْ النِّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- نَسْتَوِدُّكُمْ: مِي سِپَارِيم ٢- نَلْتَقِي: دِيدَار مِي كِنِيم ٣- نَتَمَنَّى: آرَزُو مِي كِنِيم

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی، در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۲) - کد ۱۱۱۲۰۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	حمید قلندریان	خراسان رضوی	۲۴	لیلا اسدبرقی	آذربایجان غربی
۲	مهدی شفاپی	آذربایجان شرقی	۲۵	اسماعیل رسایی	کرمان
۳	حکیمه حسن‌زاده جعفری	کرمان	۲۶	سید صدرالدین جنید	مرکزی
۴	یوسف فاضل	گلستان	۲۷	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران
۵	زهره آذری	کردستان	۲۸	علی یازرلو	گلستان
۶	یعقوبعلی آقاعلی پور	آذربایجان شرقی	۲۹	مصطفی احمدپناه	سمنان
۷	طهمورث سلیمانی	کردستان	۳۰	محمد داورپناهی	خراسان شمالی
۸	شکوفه کمانی	مرکزی	۳۱	محمد مهدی سربلند	خراسان رضوی
۹	فاطمه رامشی	کرمانشاه	۳۲	علیرضا صیاد	خراسان شمالی
۱۰	زهرا علی‌آبادی	خراسان جنوبی	۳۳	شهلا اسماعیلیان	اصفهان
۱۱	زهرا سالک‌نژاد	فارس	۳۴	حسن علی شربتدار	سمنان
۱۲	طیبه احمدپور	خراسان جنوبی	۳۵	ابراهیم علی دوستی شهرکی	چهارمحال و بختیاری
۱۳	فریده ناطق خشنود	گیلان	۳۶	مهستی رایگان	لرستان
۱۴	سمیره داراخانی	ایلام	۳۷	اکبر میرکی پور	هرمزگان
۱۵	آذر صمدی طاقانکی	چهارمحال و بختیاری	۳۸	حسین منصوری	اصفهان
۱۶	خسرو گروسی	کرمانشاه	۳۹	فاطمه عامری	قم
۱۷	فاطمه زهرا گندم‌کار	خراسان رضوی	۴۰	پانته‌آ امیرپاشایی	شهر تهران
۱۸	مرجان کرد	خوزستان	۴۱	عبدالله اخلاصی	قزوین
۱۹	طیبه عباسی	فارس	۴۲	محمدتقی جهانی مهر	همدان
۲۰	سهیلا ملایی یگانه	زنجان	۴۳	هوشنگ جعفر دوست	گیلان
۲۱	معصومه ملکی	شهرستان‌های تهران	۴۴	رسول خَمَر	سیستان و بلوچستان
۲۲	سیمین پروازیان	اصفهان	۴۵	اسکندر حسین‌زاده	شهر تهران
۲۳	حکیمه ایرانمنش	هرمزگان	۴۶	سهیلا اکبری	کهگیلویه و بویراحمد